

نقش کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست

نویسنده اول : علی اشرف خانه ای

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و کارشناس محیط‌زیست
sina_khanehei@yahoo.com

نویسنده دوم : لیلا رجبی

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل
rosnasrin1357@gmil.com

چکیده

طبیعت قادر است به خوبی پاسخگوی نیاز تمام انسان‌ها باشد مشروط بر آن که به صورت معقول مورد استفاده قرار گیرد. زمانی که به صورت بی‌رویه از طبیعت و منابع آن استفاده گردد، طبیعت تخریب و منابع آن رو به اتمام می‌رود لذا انسان برای تامین نیازهایش با کمبود مواجه می‌گردد. در این راستا مبانی حفاظت از محیط زیست بر پایه دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور وجود دارد. در دیدگاه انسان محور وضعیت محیط به دلیل تاثیر مستقیمی که بر تداوم حیات و کیفیت زندگی بشر دارد مورد توجه قرار می‌گیرد و در مقابل دیدگاه محیط زیست محور، اهداف زیست محیطی که توافق اجتماعی در مورد آن وجود دارد را دنبال می‌کند که هر کدام جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر کمیسیون حقوق بین الملل به عنوان نهادی که وظیفه "تدوین و توسعه حقوق بین الملل" را برعهده دارد یکی از نهادهای است که تاملاتی در زمینه حقوق بین الملل محیط زیست داشته است. به طوری که این کمیسیون در سال ۱۹۵۸ اولین گزارش خود را در خصوص کنوانسیون ناظر به ماهیگیری و صید منابع زنده دریای آزاد ارائه داده است و آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۳ در خصوص حفاظت از اتمسفر و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه تهیه کرده است. از طرفی سایر اقدامات و فعالیت‌های کمیسیون حقوق بین الملل مانند تهیه پیش نویس معاهدات بین المللی و پاسخ به برخی سئوالات مطرح شده از این کمیسیون در این حوزه قابل توجه می‌باشد. در نتیجه ما در این تحقیق ضمن بررسی مفاهیم کلی حقوق بین الملل محیط زیست، ویژگی‌ها، اصول‌های پایه‌ای آن، رویکرد کمیسیون حقوق بین الملل را به عنوان یک نهاد تاثیر گذار در زمینه تدوین و توسعه این حوزه از حقوق بین الملل را مد نظر داشته و تاملی داریم به این مساله که اعمال کمیسیون به کدام سمت حرکت می‌کند و اینکه تدوین و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست روندی رو به رشد و موثر داشته است یا تلاش قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است.

واژگان کلیدی : حقوق بین الملل محیط زیست، تدوین، توسعه، کمیسیون حقوق بین الملل، حقوق بین الملل.

مقدمه

کار تدوین حقوق بین الملل حدودا از اواسط قرن نوزدهم آغاز شد. این کار توسط نهادهای مختلف و کنفرانس های متعدد پیگیری شد و روز به روز روند تدوین و تثبیت قواعد حقوقی تصریح و متحول شد که معروف ترین آنها از زمان اولین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ شروع می شود. بعد از جامعه ملل که موضوعاتی را برای تدوین انتخاب کرده بود و توفیق چندانی هم در کار خود حاصل نکرد. در همین رابطه تاسیس سازمان ملل متحد و سپس تشکیل کمیسیون حقوق بین الملل نقطه عطفی به حساب می آید زیرا مقدمه ورود به عصر جدیدی در تدوین و توسعه کمیسیون حقوق بین الملل بوده اند، اهمیت و ضرورت تدوین و توسعه حقوق بین الملل در جریان نشست دولت ها در سانفرانسیسکو ۱۹۴۵ مورد تاکید قرار گرفت و همچنین در منشور ملل متحد (برخلاف میثاق جامعه ملل) مقررات صریحی در مورد تدوین و توسعه حوزه های مختلف حقوق بین الملل وجود دارد که در ماده ۱۳ منشور منعکس است. این ماده اشاره می دارد که مجمع عمومی به منظور توسعه همکاری های بین الملل از لحاظ سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه های را فراهم می آورد. در نتیجه مجمع عمومی با استناد به همین ماده در نخستین اجلاس خود به موجب قطعنامه شماره ۹۴/۱ مورخ ژانویه ۱۹۴۶ کمیته ای که از آن به نام (کمیته ۱۷) یاد شده است، برای توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن تاسیس کرد. این کمیته ماموریت داشت تا با مطالعاتی دقیق، روش کار مجمع عمومی را در این چارچوب مشخص سازد کمیته از ۱۲ می تا ۱۷ ژوئن ۱۹۴۷ پیش از ۳۰ جلسه تشکیل داد و سرانجام در گزارش نهایی خود به مجمع عمومی توصیه کرد که کمیسیونی به نام کمیسیون حقوق بین الملل با توجه به طرحی که برای اساس نامه اش پیش بینی کرده بود به وجود آید و سرانجام مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۱۷۴ خود تاسیس کمیسیون را پذیرفت و اساسنامه آن را تصویب نمود. اولین انتخابات کمیسیون در ۳ نوامبر ۱۹۴۸ انجام یافت و اولین اجلاس سالانه آن در ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ در نیویورک برگزار گردید. کمیسیون حقوق بین الملل برای توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن پا به عرصه وجود گذاشت تا تداوم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین الملل را نوید دهد. اساسنامه کمیسیون به منظور جامعه عمل پوشاندن به بند اول ماده ۱۳ منشور ملل متحد وظایف خاصی را برای کمیسیون مقرر کرده است. به همین دلیل هدف کمیسیون مطابق با ماده اول اساسنامه کمیسیون تشویق جریان توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین الملل است. در اساسنامه کمیسیون آمده است که منظور از توسعه تدریجی تکوین متونی در زمینه هایی است که حقوق بین الملل به آنها نپرداخته یا عملکرد دولت ها در آنها هنوز در حد مطلوبی توسعه نیافته است. برعکس از مواردی که عملکرد دولت ها کاملا روشن و جا افتاده است همچنین تصمیمات قضایی متعددی یافت می شود و علمای برجسته حقوق بین الملل به کرات نظرات خود را عرضه داشته اند. اقدام در جهت ارایه دقیق تر قواعد به صورت مکتوب تدوین حقوق بین الملل تلقی می شود.

از طرفی حقوق بین الملل محیط زیست از زمان کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ به این طرف یکی از مسایل مهم در روند تکامل حقوق بین الملل بوده و کمیسیون حقوق بین الملل در این مورد نقش موثری داشته است. از میان موفقیت های کمیسیون از حیث توسعه تدریجی و تدوین می توان به ۶ مورد اشاره کرد. به طوری که کمیسیون توانسته است مجموعه قواعدی به صورت طرح پیش نویس در رابطه با موضوعات حقوق محیط زیست به وجود آورد که برخی از این قواعد به نوبه خود به معاهدات بین المللی در زمینه های مربوط تبدیل شده اند. دوم اینکه تعدادی از این قواعد به واسطه کنوانسیون هایی که بر مبنای آنها پایه گذاری شده اند توانسته اند جایگاه و ساختاری مهم و موقعیت جهانی وزیر بنایی را به دست آورند.

بیان مسأله

حقوق بین الملل که در آغاز ناظر بر روابط میان کشورها بود امروزه ابعاد گسترده ای از زیست افراد انسانی را مورد توجه قرار داده است. از جمله این موضوعات می توان به موضوعات حقوق محیط زیست اشاره کرد. از همین رو در سالهای اخیر این شاخه از حقوق بین الملل به عنوان بخشی از نظم عمومی اجتماع بین المللی مورد توجه قرار گرفته است و با طرح دسترسی به محیط زیست سالم به یک حق بشری این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار شده است. همچنین موضوعات مرتبط با آلودگی محیط زیست، تعهدات و مسئولیت کشورها، تلقی محیط زیست به عنوان میراث مشترک و مسائلی از این قبیل باعث شد تا کشورها به عنوان واضعان اصلی قواعد حقوق بین الملل گام های موثری را در خصوص قاعده مند ساختن رفتار کشورها و دیگر بازیگران بین المللی در حوزه ی محیط زیست بر دارند و به همین رو از دل حقوق بین الملل گرایشی با عنوان حقوق بین الملل محیط زیست پدید آمد. از طرفی باید پذیرفت که تکامل فکری بشر در مورد حقوق بین الملل محیط زیست رشد کرده است و صرفا مسئله آلودگی را مد نظر قرار نمی دهد. اگرچه تا زمانی حقوق بین الملل به حوزه ی قراردادی یا غیر قرار دادی بین خود طرف ها محدود می شد اما امروزه بیشتر مسئله محیط زیست از دیدگاه نظم عمومی اجتماع عمومی بین المللی مورد توجه قرار می گیرد. بنابراین امروزه حفاظت از محیط زیست منصرف از اینکه چه بخشی از سیاره زمین ممکن است در خطر باشد دارای بعدی عمومی و بین المللی است که به عنوان میراث مشترک بشریت باید حمایت شود و ارتقا یابد و با مدیریت و صیانت از آن در چارچوب رویکرد نوین با توسعه و تدوین جامع تری تضمین شود. از طرفی بررسی رویه کمیسیون حقوق بین الملل حاکی از آن است که نقشی که کمیسیون در حوزه ی حقوق بین الملل محیط زیست ایفا کرده و می تواند ایفا کند مشخصا در سالهای اخیر رشد یافته است. در این میان تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل که یکی از مهم ترین ماموریت های مجمع عمومی سازمان ملل متحد می باشد اهمیت بسزایی در تحکیم و پایداری صلح و استقرار حکومت قانون در جامعه بین المللی دارد. براساس ماده ۱۳ منشور سازمان ملل متحد، مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه هایی را فراهم می کند: الف) ترویج همکاری بین المللی در امور سیاسی، ب) ایجاد زمینه های مناسب برای توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن

بر این اساس مجمع عمومی بدون اینکه به قانونگذاری بین المللی مبدل شود با مطالعات پیگیر و کارشناسی دقیق متن قطعنامه ها و یا پیش نویس معاهدات بین المللی را تهیه نموده و برای تصویب در اختیار دولتها قرار می دهد. در طول شصت و پنج سالی که از حیات ملل متحد می گذرد مجمع عمومی با اتکا به ارگان های فرعی خویش که در راس آن کمیسیون حقوق بین الملل است موفق شده است بخش های مختلف حقوق بین الملل را از جمله حقوق بین الملل محیط زیست را مدون سازد و در توسعه آن گام بردارد. در همین راستا در جلسه شصت و پنجم کمیسیون حقوق بین الملل که در سال جاری میلادی (۲۰۱۴) در ژنو، مقر ملل متحد برگزار شد و در ماههای آینده ادامه خواهد داشت در کنار موضوعات هشت گانه دیگری چون اخراج بیگانگان، اجرای موقت معاهدات و... موضوع حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه و حفاظت از اتمسفر در دستور کار مطالعه مقدماتی کمیسیون حقوق بین الملل قرار داده شده است، به امید اینکه اقدامات متمر ثمری و لازم الاجرای در جهت تدوین و توسعه قواعد حقوق بین الملل محیط زیست صورت گیرد. (انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۹).

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

یکی از دغدغه های قرن حاضر جلوگیری از انهدام محیط زیست و اصلاح و تصویب قوانین داخلی کشورها و در سطح بین المللی معاهدات و قطعنامه های الزام آور آمرمی باشد. چرا که حق به محیط زیست سالم منعکس کننده ارزش های متعالی و پایه ای همانند حق حیات، حق بر سلامتی با استاندارد است که در معرض خطرات غیر قابل جبران می باشد. از دغدغه اب تا آلودگی هسته ای تا گرم شدن دمای کره ی زمین و در نهایت به خطر افتادن زندگی آینده نسل بشر. در واقع مدیریت صحیح منابع طبیعی منوط به وجود قواعد حقوقی لازم الاجرا و کاربردی و جهانشمول می باشد که نیاز مند همکاری بین المللی تمام

کشورها می باشد و در این مسیر کمیسیون حقوق بین الملل به لحاظ نقش و وظایفی که دارد می تواند اقدامات مناسبی را انجام مطالعات کارشناسی از سر بگیرد و راه را برای شکل گیری معاهدات جامع و کامل هموار سازد. به همین خاطر سعی شده است در این پژوهش به بررسی جایگاه و نقش کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین و توسعه حقوق محیط زیست به عنوان یکی از مهم ترین گرایشات حقوق بین الملل و حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق نسل سوم بشری و اقدامات ممکن در اعتلا و حفظ آن پرداخته شود.

اهداف برجسته تحقیق:

- ۱- تبیین خلاء موجود در قواعد حقوقی امری در شکل گیری اسناد بین المللی لازم الاجرا.
- ۲- شناخت راهکار های کاربردی و ممکن الحصول و عملی کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین و توسعه این شاخه از حقوق بین الملل.
- ۳- شناسایی اقداماتی که کمیسیون حقوق بین الملل و سایر مراجع بین المللی در این خصوص تا به امروز انجام داده اند.

۱- تعریف محیط زیست

محیط زیست از لحاظ لغوی از دو واژه محیط و زیست ترکیب شده است. محیط واژه ای عربی بوده و از ریشه حوط است به معنای احاطه کننده، آن چیزی که چیزی را احاطه نموده است. زیست نیز واژه ای فارسی و مترادف زندگی و حیات است. به عبارت دیگر محیط زیست در برگرفته کلیه عناصر طبیعی و انسان ساخت می شود که افراد انسانی و حیوانات و یا گیاهان و گونه ها را احاطه نموده و یا کلیه عوامل ملموس و غیر ملموس که چارچوب حیات را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر آنچه را که در فرآیند زیستن دخالت دارد یعنی مجموعه شرایط و عوامل خارجی موثر بر زیست، رشد، نمو و سلامتی انسان و جانداران دیگر و گیاهان را محیط زیست گویند. (مشهدی ۱۳۸۹، ۲۱۱)

اگرچه تعاریف زیادی از محیط زیست شده است، ولی یکی از بهترین و جامع ترین آن ها، تعریف ارائه شده از سوی شورای اروپا در بند ۱۳ ماده ۲ کنوانسیون مسئولیت مدنی برای فعالیت های مخرب زیست محیطی ۱۹۳۳ می باشد که محیط زیست را این گونه تعریف می کند: "منابع طبیعی جاندار و غیر جاندار مانند: هوا، آب، خاک، جانوران، گیاهان و واکنش های بین عوامل مشابه و دارایی هایی که بخشی از میراث فرهنگی هستند و به عنوان ویژگی های خاص از محیط به شمار می آیند." (پورهاشمی و ارغند ۱۳۹۲، ۲۱)

۲- تعریف حقوق بین الملل محیط زیست

حقوق بین الملل محیط زیست یکی از شاخه های حقوق بین الملل عمومی است. از دیگر زیر شاخه های حقوق بین الملل عمومی می توان به حقوق معاهدات بین المللی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، حقوق مسئولیت بین المللی دولت ها، حقوق دریاها و... نام برد. قبل از ارائه هرگونه تعریف از حقوق بین الملل محیط زیست اشاره به این نکته ضروری است که برخی از حقوقدانان با کاربرد واژه «حقوق بین الملل محیط زیست» مخالف هستند و معتقدند این شاخه از حقوق بین الملل، منابع و روش وضع قواعد منحصر به خود را ندارد، بنابراین نمی توان از آن به عنوان شاخه مستقلی از حقوق یاد کرد. با این حال، اکثریت علمای حقوق با اشاره به استفاده از واژه های مشابه نظیر: حقوق بشر، حقوق دریاها و... استفاده از حقوق بین الملل محیط زیست را امری طبیعی و مجاز می شمارند. فیلیپ سند: «حقوق بین الملل محیط زیست را شامل: اصول، رویه ها و قواعد حقوق بین المللی می داند که هدف اصلی آن، حفاظت از محیط زیست است.» وی در این تعریف، به دو عنصر اساسی در حقوق بین الملل اشاره می کند. اول این که منابع حقوق بین الملل محیط زیست همان منابع حقوق بین الملل هستند. دوم این که هدف از ایجاد این شاخه از حقوق بین الملل را حفاظت از محیط زیست معرفی می نماید.

الکساندر کیس و دینا شلتون معتقدند که حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان جدیدترین شاخه از حقوق بین الملل می باشد که هدف آن، حفاظت از محیط زیست است. برخی نیز حقوق بین الملل محیط زیست را این گونه تعریف می کنند: « مجموعه ای از قواعد حقوق بین المللی است که موضوع آن، پیشگیری از آلودگی محیط زیست وهدف آن حفاظت از محیط زیست می باشد.»

تعاریف فوق الذکر بر دو نکته تأکید دارند:

اولاً- اشتراک منابع حقوق بین الملل محیط زیست با حقوق بین الملل عمومی؛

ثانیاً- هدف اصل در واقع پیشگیری از آلودگی محیط زیست و حفاظت از آن برای نسل های حاضر و آینده و رسیدن به توسعه پایدار است. لیکن امروزه با گسترش و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست، منابع حقوقی جدیدی در این شاخه حقوقی ایجاد شده است که متفاوت با حقوق بین الملل عمومی می باشد.

به طور کلی در تعریف حقوق بین الملل محیط زیست می توان گفت که حقوق بین الملل محیط زیست یکی از جدیدترین و گسترده ترین شاخه های حقوق بین الملل عمومی است که تنظیم کننده روابط تابعان حقوق بین الملل در زمینه حفاظت از محیط زیست می باشد. به عبارت دیگر حقوق بین الملل محیط زیست، مجموعه قواعد و مقررات حقوق بین الملل حاکم بر روابط میان تابعان و بازیگران حقوق بین الملل اعم از دولتی و غیر دولتی برای حفاظت از محیط زیست می باشد. (پورهاشمی و ارغند ۱۳۹۲، ۲۲)

تعریف تدوین و توسعه

تدوین و توسعه، نقش اصلی را در توسعه و تحول حقوق بین الملل ایفا می کنند. در حقوق بین الملل، مانند سایر رشته های حقوقی، تدوین عبارتست از تبدیل و برگرداندن علمی قواعد عرفی به مجموعه ای از قواعد نوشته که به صورت منظم دسته بندی شده اند و توسعه حقوق، عملی است که قواعد جدید را بر مبنای حقوق موجود تأیید می کند یا تخصیص می دهد. ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل، سعی بر تفکیک صریح تدوین از توسعه تدریجی حقوق بین الملل دارد. اصطلاح "توسعه مترقیانه حقوق بین الملل" به معنی تهیه و آماده سازی پیش نویس یا طرح عهدنامه هایی در زمینه موضوعاتی است که هنوز در حقوق بین الملل قاعده مند نشده اند و یا در آن موارد، حقوق هنوز به حد کافی در رویه کشورها توسعه نیافته است و اصطلاح تدوین حقوق بین الملل به معنی قاعده مند کردن بسیار صریح و منظم قواعد حقوق بین الملل در زمینه هایی است که قبلاً در آنها یک رویه منطقی، سابقه و آموزه وجود داشته است. این تفکیک هر چند از حیث "نظری" شایان توجه است، اما از دید عملی فایده چندانی بر آن مترتب نیست. تدوین حقوق، به طور طبیعی توسعه حقوق را به همراه دارد و بخشی از توسعه حقوق مرهون تدوین حقوق است. تدوین و توسعه حقوق بین الملل، تنها هدفی که دنبال می کنند هدف فنی است و آن، پایان بخشیدن به ابهام قواعد حقوقی و ایجاد قواعد حقوقی جدید است. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۷، ۲۷)

کمیسیون حقوق بین الملل

در منشور ملل متحد، بر خلاف میثاق جامعه ملل، مقررات صریحی در مورد تدوین و توسعه حقوق بین الملل وجود دارد که در ماده ۱۳ آن منعکس است: مجموعه عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه هایی را فراهم می کند:

ترویج همکاری بین المللی در امور سیاسی و ایجاد زمینه های مناسب برای توسعه مترقیانه حقوق بین الملل و تدوین آن. در اجرای مقررات مذکور، مجمع عمومی در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷، قطعنامه تشکیل کمیسیون دایم حقوقدانان را به نام "کمیسیون حقوق بین الملل" صادر کرد. طبق آخرین اصلاحیه اساسنامه کمیسیون، ۳۴ حقوقدانان بین المللی هستند که

برای مدت ۵ سال انتخاب می شوند و تجدید انتخاب آنان بلامانع است. انتخاب به گونه ای انجام می شود که کمیسیون بتواند نماینده تمدن های اصلی و نظام های حقوقی مناطق عمده جغرافیایی جهان باشد. اعضای کمیسیون از میان شخصیت های صاحب نظر در حقوق بین الملل انتخاب می شوند. نحوه انتخاب به این صورت است که کشورهای عضو سازمان ملل متحد می توانند قبل از خاتمه ماموریت هر یک از اعضا، اشخاص واجد صلاحیت را از میان اتباع خود، به دبیرکل سازمان معرفی نمایند. دبیرکل از بین افراد مذکور، اشخاص اصلاح را به (تعداد کرسی های لازم) به مجمع عمومی پیشنهاد می نماید. انتخاب قطعی و نهایی اعضا با مجمع عمومی است. اعضای کمیسیون، هر چند توسط کشورهای متبوع خویش معرفی می شوند، اما در صورت انتخاب، به هیچ وجه نماینده آنها محسوب نمی شوند، بلکه از استقلال عمل کامل برخوردارند. ضمناً در کمیسیون نباید بیش از یک عضو از اتباع هر کشور باشند. اولین جلسه کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۴۹ تشکیل شد و از آن پس، همه ساله به مدت ۲ تا ۳ ماه در ژنو، دوره اجلاسیه داشته و موضوعات مختلفی را برای تدوین و توسعه حقوق بین الملل مطالعه کرده و نتیجه آن را طی گزارشی به مجمع عمومی توصیه می نماید. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۷، ۲۸)

منشأ و تحول حقوق بین الملل محیط زیست

حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان یکی از شاخه های مهم حقوق بین الملل عمومی، در حال توسعه و گسترش است. گر چه حفاظت از برخی گونه های حیوانی و گیاهی در سال های قبل از دهه هفتاد میلادی نیز به چشم می خورد، لیکن اساس شکل گیری حقوق بین الملل محیط زیست، به معنای امروزی آن به بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست، استکهلم ۱۹۷۲ بر می گردد (پورهاشمی و ارغند ۱۳۹۲، ۲۳). به طور کلی حقوق بین الملل محیط زیست به لحاظ تاریخی به چهار دوره تفکیک می شود:

۱- قراردادهای زیست محیطی دو جانبه قبل از کنفرانس استکهلم:

دوره اول از نیمه دوم قرن هجدهم و با تدوین قراردادهای عمدتاً دو جانبه در زمینه ماهیگیری و منابع جاندار دریایی آغاز گردید و با گسترش آن به سایر زمینه ها از جمله حیات وحش، گونه های گیاهی و جانوری نادر و در حال انقراض، از اوایل قرن بیستم وارد مرحله جدیدی شد. از نیمه قرن بیستم، با هشدار متخصصان محیط زیست، وقوع حوادث زیست محیطی جدید، یافته های علمی دانشمندان، واکنش افکار عمومی از طریق ایجاد جنبش های زیست محیطی و همچنین فعال شدن برخی از سازمان های بین المللی، به ویژه سازمان ملل متحد^۱، انعقاد معاهدات چند جانبه بین المللی به خصوص به صورت بخشی و منطقه ای در دستور کار تابعان حقوق بین الملل قرار گرفت. در این دوره تاریخی مبارزه با آلودگی های نفتی، شیمیایی و هسته ای، حفاظت از محیط زیست دریاها و تالاب های مهم بین المللی و همچنین کنترل آلودگی هوا، فضای ماورای جو و حفاظت از محیط زیست قطب جنوب گسترش یافت و تلاش کرد با پایان دادن به اقدامات غیر موثر و پراکنده جهانی، به روند ایجاد قواعد بین المللی در این زمینه انسجام بیشتری بخشیده و به آن جهت دهد. در همین فاصله، کنوانسیون تالاب های مهم بین المللی به ویژه تالاب های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون^۲ تالاب ها)، رامسر ۱۹۷۱ منعقد گردید. به طور کلی دهه شصت میلادی که معروف به دهه جنبش های دانشجویی (جنبش زنان، جنبش سبزها و جنبش پست مدرنیسم) بود، علامت سوالی در برابر روند تخریب گر مدرنیته قرار داد و مسائل اساسی بسیاری را از جمله محیط زیست را مطرح کرد. همچنین سازمان وحدت آفریقا، کنوانسیون راجع به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی تصویب نمود. در سال ۱۹۶۸ به پیشنهاد مجمع عمومی

^۱ United Nations Conference on the Man & Environment (Stockholm Declaration), 1972.

^۲ United Nations (UN).

^۳ Convention on Wetlands of International Importance Especially as Waterfowl Habitat (Convention on Wetland) Ramsar, 1971.

سازمان ملل متحد، کنفرانس بین‌المللی برای حفاظت محیط زیست از تاریخ پنجم تا شانزدهم ژوئن ۱۹۷۲ در شهر استکهلم (پایتخت کشور سوئد) تشکیل شد. لازم به ذکر است که تا این تاریخ، بزرگ‌ترین کنفرانس بین‌المللی بود که در آن بیش از ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور جهان و قریب بر همین تعداد، نمایندگانی از سازمان‌های بین‌الدولی و ۷۰۰ نفر ناظر اعزامی از ۴۰۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی^۴ شرکت داشته‌اند. (الکساندر کیس و پیتراچ سند، وینفراید لانگ ۱۳۷۹، ۲۶)

۲- سیر تکاملی محیط زیست و توسعه از کنفرانس استکهلم تا ریو:

در بیانیه نهایی کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ اصول مهمی درباره حقوق محیط زیست و حفاظت از آن مطرح شد که در حال حاضر نیز در بسیار از کنوانسیون‌ها و معاهدات دو جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی ملاحظه می‌گردد. این بیانیه دارای یک مقدمه، بیست و شش اصل و یک برنامه اقدام درباره خط مشی‌های زیست محیطی مشتمل بر ۱۰۹ توصیه از جمله پیشنهاد ایجاد برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)^۵ و صندوق محیط زیست^۶ بود که هر دو نقش مهم و اساسی در روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست داشته‌اند. اصل اول این بیانیه تصریح می‌کند که انسان نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با وقار و سعادت‌مندانه را می‌دهد، حقوقی بنیادین دارد و مسئول حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده است. اصول هجدهم تا بیستم به علم و فن آوری، آموزش موضوعات زیست محیطی و بالاخره جریان آزاد اطلاعات بروز علمی و انتقال تجارب زیست محیطی اشاره می‌کند. (پور هاشمی و ارغند ۱۳۹۲، ۲۶).

در واقع اصل بیست و یکم درصدد آن است که کشورها باید سیاست‌های زیست محیطی خود را به گونه‌ای اعمال کنند که آسیب به سایر کشورها وارد نکنند و به نظر می‌رسد این اصل عرفی به تدریج در حقوق بین‌الملل محیط زیست به یکی از قواعد آمره بین‌المللی^۷ تبدیل شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود این بیانیه از منابع حقوق نرم (منابع غیر الزام آور) است و در ابتدا لازم الاجرا نمی‌باشد، گاهی به لحاظ این که درصدد بیان یک قاعده حقوقی است، می‌تواند در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست موثر باشد. یکی از رویدادهای مهم حقوق بین‌الملل محیط زیست در این دوره تاریخی، تصویب منشور جهانی طبیعت^۸ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیست و هشتم اکتبر ۱۹۸۲ به شمار می‌آید. گرچه این منشور به عنوان یک متن حقوقی غیر الزام آور می‌باشد، لیکن تأثیرات اساسی و بنیادینی در حقوق بین‌الملل محیط زیست بر جای گذاشته است. مشابه این متن در حقوق بین‌الملل عمومی، بیانیه حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸ می‌باشد. همانگونه که بیانیه جهانی حقوق بشر یکی از متون مهم و موثر در حقوق بین‌الملل بشر است که لازم الاجرا نمی‌باشد، لیکن تأثیرات بسیار مهمی در توسعه حقوق بشر گذاشته است. از این رو، اصول حقوقی مندرج در منشور جهانی طبیعت در کنوانسیون حمایت و حفاظت از منابع طبیعی آسیای جنوب شرقی مندرج و الزام آور شده است. تأثیر منشور جهانی طبیعت بدین صورت بود که اصول حقوقی مندرج، علی‌رغم الزام آور بودن آن در سال ۱۹۸۵ از طریق کنوانسیون حمایت و حفاظت از منابع آسیای جنوب شرقی، الزام آور گردید و ده سال بعد برخی از اصول مندرج در منشور جهانی طبیعت مجدداً در بیانیه ریو ۱۹۹۲ ذکر شد از نظر ساختاری نیز حقوق بین‌الملل محیط زیست در این دوره توسعه پیدا کرد.

مهم‌ترین اتفاقی که در این دوره تاریخی افتاد، تشکیل سازمان برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) بود. در همین دوره علاوه بر تاسیس یونپ، سازمان‌های بین‌المللی دیگر، حفاظت محیط زیست را در اهداف و برنامه‌های خود قرار دادند که در

^۴. Non Government Organizations (NGOs).

^۵. United Nations Environment Programme (UNEP).

^۶. Global Environmental Fund (GEF).

^۷. Erga Omnes.

^۸. World Charter for Nature, 1982.

این راستا می‌توان به سازمان بین‌المللی کار^۹، سازمان خواروبار و کشاورزی^{۱۰}، سازمان بهداشت جهانی^{۱۱} و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^{۱۲} اشاره کرد و علاوه بر آن، بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی در این دوره شکل گرفتند که می‌توانیم به کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض، واشنگتن^{۱۳} ۱۹۷۳ و کنوانسیون حقوق دریاها، مونته‌گوبی^{۱۴} ۱۹۸۲ و بسیاری از کنوانسیون‌های دیگر که این کنوانسیون‌ها معمولاً دارای سازمان یا ساختاری برای اجرای اهداف کنوانسیون هستند. بنابراین در این دوره تاریخی، حقوق بین‌الملل محیط زیست هم از نظر قواعد و اصول حقوقی و هم از نظر تشکیل سازمان‌های بین‌المللی برای حفاظت محیط زیست، رشد و توسعه یافت. چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از ویژگی‌های مهم این دوره، تهیه استراتژی‌های متعدد در زمینه حفاظت از محیط زیست کره زمین توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است که در تدوین استراتژی‌های ملی و وضع قوانین داخلی از سوی کشورها مورد توجه قرار گرفته و در تهیه و تنظیم اسناد بین‌المللی در زمینه محیط زیست در سطح بین‌المللی نیز از آن‌ها استفاده شده است. در میان این استراتژی‌ها می‌توان به استراتژی حفاظت از جهان^{۱۵} اشاره نمود. (۱. محمود کریمی و نسرین مصفا ۱۳۷۱، ۵۲)

۳- محیط زیست و توسعه در کنفرانس ریو:

مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزاری کنفرانس بین‌المللی درباره محیط زیست و توسعه^{۱۶} را تصویب نمود و طی آن از دبیر کل سازمان ملل خواسته شد تا مقدمات برپایی این کنفرانس را فراهم آورد. بر این اساس، کمیته مقدماتی کنفرانس با مشارکت فعال نمایندگان تمام دول عضو و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی تشکیل شد و طی چهار نشست موضوعاتی را که باید در کنفرانس مذکور مورد بحث قرار گیرند، مورد بررسی قرار داد. متعاقب آن، کنفرانس ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه در سوم ژوئن ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیرو برزیل با شرکت بیش از ۳۰ هزار نفر از ۱۷۶ کشور شامل ۱۱۶ رئیس دولت و نمایندگان ۱۴۰۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینه محیط زیست و ۹۰۰۰ خبرنگار آغاز شد و تا چهاردهم ژوئن موضوعات مختلف مربوط به محیط زیست و توسعه به عنوان معضل موجود در برابر انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین دو سند حقوقی مهم دیگر از قبیل کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا (تغییرات اقلیمی)، نیویورک^{۱۷} ۱۹۹۲ و کنوانسیون تنوع زیستی، ریودوژانیرو^{۱۸} ۱۹۹۲ که قبل از برگزاری کنفرانس تهیه و تدوین شده بود، در ریو برای امضای دولت‌ها مفتوح گردید. (الکساندر کیس ۱۳۸۶، ۳۶).

این کنفرانس با تقویت نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید به اقدامات جامعه بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست در چارچوب نهادهای بین‌المللی انسجام بیشتری بخشید. کنفرانس ریو شامل سه سند غیر الزام آور شامل بیانیه نهایی کنفرانس (یک مقدمه و بیست و هفت اصل)، دستور کار ۲۱ (منشوری برای آینده)^{۱۹} و اصول حفاظت از جنگل^{۲۰} را به تصویب رساند.

^۹.International Labour Organization (ILO).

^{۱۰}. Food and Agriculture Organization (FAO).

^{۱۱}. World Health Organization (WHO).

^{۱۲}. International Atomic Energy Agency (IAEA).

^{۱۳}. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Washington, 1973.

^{۱۴}.United Nations Convention on the Law of the Sea, UNCLOS,1982.

^{۱۵}. World Conservation.

^{۱۶}.United Nations Conference on Environment and Development Declaration, Rio, June 1992.

^{۱۷}.United Nations Framework Convention on Climate Change, Newyork, 1992 (UNFCCC).

^{۱۸}.Convention on Biological Diversity, Rio 1992.

^{۱۹}.Agenda 21, Charter for Future, Rio, 1992.

بیانیه ریو ۱۹۹۲ از دو بعد قابل بررسی و امعان نظر است: یکی این که این متن انعکاس دهنده اختلافات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است، دیگری تلاش در راستای جهت دادن به فرآیند تدوین و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست تلقی می شود. بنابراین اصول حقوقی مندرج در این بیانیه از قبیل: حق برخورداری از سلامت و توانایی های جسمی و روحی در انطباق با طبیعت (حق محیط زیست) (اصل اول)، حق حاکمیت دولت ها در بهره برداری از منابع طبیعی تحت قلمرو خود به صورت عادلانه و کنترل شده (اصل دوم)، حق بر توسعه با رعایت نیاز نسل های کنونی و آینده (اصل سوم)، رفع محرومیت و فقر (اصل پنجم)، توجه به شرایط و نیازهای کشورهای در حال توسعه (اصل ششم)، مسئولیت بیشتر کشورهای توسعه یافته در حفاظت از محیط زیست (اصل هفتم)، تبادل اطلاعات و دسترسی به دستاوردهای جدید فن آوری (اصل نهم)، انعکاس دهنده نظرات گروه کشورهای در حال توسعه است. از طرف دیگر، اصولی نظیر: تغییر الگوهای تولید و مصرف، رشد جمعیت در جهت سازگاری آن ها با محیط زیست و توسعه پایدار^{۲۱} (اصل هشتم)، حق مردم در دست یابی به اطلاعات زیست محیطی و حق دسترسی به محاکم قضایی و مراجع اداری و درخواست مجازات و غرامت خسارت زیست محیطی (اصل دهم)، حمایت از سیستم آزاد اقتصادی، بدون اعمال اقدامات خودسرانه و غیر عادلانه جهت استثمار دیگران (اصل دوازدهم) و تاکید بر نقش حساس و مهم همکاری زنان در امر محیط زیست (اصل بیستم) در فرآیند توسعه پایدار نیز بازتاب دهنده نظرات کشورهای صنعتی و توسعه یافته در زمینه حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار است. دستور کار ۲۱ در ۴۰ فصل (۱۱۵ موضوع) و ۸۰۰ ۱۱۵ موضوع و ۸۰۰ صفحه تدوین شد که در اختیار دولت ها قرار گرفت. در این سند در بعد حفاظت و مدیریت منابع از قبیل: هوا، جنگل، آب و تقویت نقش سازمان های دولتی و یا تدابیر اجرایی از قبیل تدابیر مالی، موسساتی و تشویق نظام های قانونگذاری کشورهای ملی از مواد اولیه این اصل است. در واقع دستور کار ۲۱ یک برنامه اقدام علمی برای حفاظت از محیط زیست جهانی است.

از تاثیرات کنفرانس ریو بر حقوق بین الملل محیط زیست می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- دولت ها بایستی در توسعه اقتصادی، رشد صنعتی و جهانی شدن همواره دغدغه های حفاظت و حمایت از محیط زیست داشته باشند و توسعه پایدار را به عنوان یک رهیافت در برنامه های توسعه ملی خود مد نظر قرار دهند.
- دولت ها بایستی در تدوین قوانین برنامه ای و عادی و... همچنین تدوین اسناد الزام آور دو یا چند جانبه، «اصل توسعه پایدار» را لحاظ نمایند.
- دولت ها بایستی نقش گروه های اجتماعی، موسسات، سازمان ها و ارگان های غیر دولتی را در حفاظت محیط زیست ملی، منطقه ای و جهانی به رسمیت بشناسند.

بنابراین دوره سوم فرآیند توسعه حقوق بین الملل محیط زیست را می توان دوره واقع نگری، جامع نگری، اصلاحات و ظهور اختلافات کشورهای مختلف جهان در زمینه محیط زیست نامید. در این دوره، قواعد و مقررات زیست محیطی بین المللی در چار چوب مفهوم توسعه پایدار، تکامل یافته و در موارد لازم، اصلاح گردیده تا با واقعیات جهانی هماهنگی داشته و در عمل قابل اجرا باشند و همچنین قواعد و مقررات جدیدی شکل گیرند. در این دوره، دستور کار ۲۱ به عنوان یک برنامه اقدام بین المللی مورد استقبال تعداد زیادی از کشورها قرار گرفت و مواردی از آن در قوانین داخلی کشورها وارد شد. در این دوره تاریخی چند کنوانسیون بین المللی در خصوص حفاظت محیط زیست تشکیل گردید که مهم ترین آن، نشست سران زمین^{۲۲} و بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدار آفریقای جنوبی، ژوهانسبورگ^{۲۳} ۲۰۰۲ بود.

این نشست در پی اختلافات موجود بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی در زمینه تامین منابع مالی و انتقال فن آوری های لازم به کشورهای در حال توسعه و همچنین اختلاف بر سر مذاکره مجدد در مورد دستور کار ۲۱ از یک سو و

^{۲۰}.Principles on the Conservatiojn of the Forests, Rio, 1992.

^{۲۱}.Sustainable Development.

^{۲۲}.United Nations Earth Summit+5, 1997.

^{۲۳} . World Summit on Sustainable Development Johannesburg, 2002.

اختلافات بین آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر تعیین یک جدول زمانی برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای از سوی دیگر، بدون دست‌یابی به نتیجه و با صدور بیانییه‌ای تحت عنوان برنامه‌ای برای اجرای فراتر دستور کار ۲۱ به کار خود پایان داد. با این حال از یک طرف، حقوق بین‌الملل محیط زیست همچنان در نزاع میان کشورهای توسعه یافته است که برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی در مقیاس وسیع، محیط زیست خود و کره زمین را تخریب نمودند و در حال حاضر ادعای حفاظت آن را دارند و از طرف دیگر، کشورها در حال توسعه که برای حفاظت محیط زیست به لحاظ هزینه بودن آن و عدم دسترسی به فن‌آوری‌های مدرن، انگیزه‌های لازم را ندارند، گرفتار شده است. ناکامی در رسیدن به توافق درخصوص برگزاری اجلاس کپنهاک ۲۰۰۹^{۲۴} برای بازنگری و اصلاح پروتکل کیوتو یکی از معضلات فراروی حقوق بین‌الملل محیط زیست معاصر است. برگزاری اجلاس ریو ۲۰۰۲^{۲۵} که به منظور ارزیابی وضعیت محیط زیست جهانی، نیز هنوز نتوانسته است اختلافات و منازعات میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را التیام بخشد و راه حلی فراروی پارادوکس رشد اقتصادی-حفاظت محیط زیست قرار دهد. بنابراین توسعه و تکامل حقوق بین‌الملل محیط زیست در این دوره تاریخی مرهون درک مشترک دولت‌های در حال توسعه و توسعه یافته در خصوص حفاظت محیط زیست جهانی است.

۴- کنفرانس ریو تا کنفرانس ریو ۲۰۰۲:

دستور کار ۲۱ برنامه‌ای پویاست که اجرای آن در هر کشور بسته به شرایط، نیازها و اولویت‌ها و با توجه کامل به اصول و مبانی «بیانییه محیط زیست و توسعه ریو» است. دستور کار ۲۱، الگویی مطلوب برای توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی نسل حاضر بدون محروم شدن نسل آینده از منابع طبیعی است که علاوه بر مسائل اجتماعی و زیست محیطی به مسائل اقتصادی نیز توجه دارد. برگزاری کنفرانس توسعه پایدار در ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ با اعلام هشت هدف اصلی توسعه هزاره^{۲۶} برای توسعه شامل: ریشه کنی فقر و گرسنگی، دست یافتن به آموزش ابتدایی در سطح همگانی، گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود وضعیت مادران، مبارزه با ایدز؛ مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط زیست و گسترش مشارکت جهانی برای توسعه تحت عنوان اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۰۲ قرار گرفت. با گذشت بیست سال از کنفرانس سران زمین در زمینه توسعه و محیط زیست^{۲۷} در ریو و همچنین با گذشت ده سال از کنفرانس توسعه پایدار^{۲۸} در ژوهانسبورگ، برگزاری کنفرانس ریو ۲۰۰۲ در برزیل سکوی پرتابی به سمت تثبیت پایداری در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌باشد. بیست سال پس از تشکیل کنفرانس ریو که توجه جهانیان را به مشکلات رو به رشد زیست محیطی و توسعه معطوف کرد، جامعه جهانی بار دیگر در بیستم‌الی بیست و دوم ژوئن ۲۰۱۲ در ریودوژانیرو گرد هم آمدند تا دستاوردهای بیست ساله کنفرانس ریو در راستای توسعه پایدار و چشم انداز آتی برنامه‌های مورد توافق را بررسی کنند. کنفرانس ریو ۲۰۰۲ ضمن تاکید بر تعهدات پذیرفته شده در کنفرانس ریو که به دستور کار ۲۱ موسوم است، می‌کوشد نوع جدیدی از تعاملات را مطرح کند که در آن کسب و کار، دولت‌ها و جامعه مدنی رؤس اصلی برنامه‌های دست‌یابی به جهانی پایدارتر را تشکیل می‌دهند. کنفرانس ریو ۲۰۰۲ فرصت مجددی برای جامعه بین‌المللی تا به بررسی‌های جامع نسبت به اتخاذ راهکارهایی برای رفع موانع موجود در برابر توسعه یافتگی اقدام کنند. از بزرگترین رویدادها با هدف دست‌یابی به توسعه پایدار در دهه گذشته (از ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ تا ریو ۲۰۱۲) شناسایی علل بروز رکود و بحران‌های اقتصادی در دهه گذشته و تلفیق مباحث اقتصادی با معیارهای زیست محیطی در جهت کاهش این بحران‌ها می‌باشد که تحت عنوان «اقتصاد سبز برای کاهش فقر»^{۲۹} به عنوان یکی از دو موضوع اصلی در دستور کار ریو ۲۰۰۲ قرار گرفته است. همچنین با توجه

^{۲۴}.Copenhagen Climate Change Conference, 2009.

^{۲۵}.United Nations Conference on Sustainable Development, Rio+20,2012.

^{۲۶}.Millennium Development Goals.

^{۲۷}.United Nations Conference on Environment and Development (UNCED), 1992.

^{۲۸}.World Summit on Sustainable development (WSSD), 2002.

^{۲۹}.Green Economy for poverty Eradication.

به ضرورت نهادینه شدن توسعه پایدار در تمامی برنامه‌های توسعه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم ایجاد چارچوب جهانی مشخص برای این مهم، «چارچوب رسمی و نهادینه توسعه پایدار»^{۳۰} و هدایت حاکمیت جهانی به سوی حاکمیت بین‌المللی زیست محیطی اعلام گردید. به همین منظور موسسات و آژانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون اداره روابط اقتصادی و اجتماعی ملل متحد،^{۳۱} کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد،^{۳۲} برنامه محیط زیست ملل متحد،^{۳۳} تسهیلات جهانی محیط زیست،^{۳۴} برنامه عمران ملل متحد،^{۳۵} سازمان تجارت جهانی،^{۳۶} سازمان جهانی کار^{۳۷} و...، فعالیت‌هایی را به منظور آمادگی جهت شرکت در اجلاس توسعه پایدار ریو ۲۰+ جهت ارائه تجارب خود طی بیست سال گذشته در زمینه اجرای اهداف توسعه پایدار، برنامه‌های حفاظت از محیط زیست، تامین هزینه پروژه‌های زیست محیطی، برنامه‌های اقتصادی توأم با حفظ منافع زیست محیطی... اعلام کردند. از دستاوردهای کنفرانس ریو ۲۰+، تصویب منشور جامع توسعه پایدار در شش فصل و ۲۸۳ بند است.

فصل اول این سند، چشم‌انداز مشترک جهان و مروری بر خواسته‌های جوامع مختلف، فصل دوم سند به تمدید تعهدات کشورها طی بیست سال گذشته که به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت کشورها^{۳۸} اشاره دارد. فصل سوم سند به مبحث نوینی همچون اقتصاد سبز^{۳۹} در قالب توسعه پایدار با هدف فقر زدایی، فصل چهارم بر چارچوب ساختاری توسعه پایدار، فصل پنجم که برای جامعه جهانی بسیار حائز اهمیت است اهداف توسعه پایدار در قالب بیست و دو موضوع تخصصی‌تر شامل؛ فقر زدایی، امنیت غذایی و کشاورزی پایدار، آب و رعایت اصول بهداشت، انرژی، گردشگری پایدار، حمل و نقل پایدار، شهرهای پایدار و اسکان بشر، اقیانوس‌ها و دریاها، بهداشت و جمعیت، کاهش بلایای طبیعی، تغییرات آب و هوا، جنگل‌ها، تنوع زیستی، مقابله با بیابان‌زایی؛ تخریب زمین و خشکسالی، کوهستان‌ها، معدن‌کاری، مواد شیمیایی و پسماند، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، آموزش، تولید و مصرف پایدار می‌باشد.

جهت برگزاری کنفرانس ریو ۲۰+ اقدامات مقدماتی زیادی صورت گرفت و از دو سال قبل از برگزاری کنفرانس، هر یک از دولت‌ها مواضع خود را بعد از هماهنگی با بازیگران مختلف مثل سازمان‌های غیردولتی، بنگاه‌ها و... تعیین کردند. حاصل این مباحثات مبنای مذاکراتی شد که در مقر ملل متحد در نیویورک دنبال گردید و در نهایت موجب تدوین سندی تحت عنوان «آینده‌ای که می‌خواهیم»^{۴۰} در دهم ژانویه ۲۰۱۲ شد. این سند مبنای تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس ریو ۲۰+ قرار گرفت و اعلامیه نهایی کنفرانس مزبور بر آن اساس تدوین گردید. سند نهایی کنفرانس ریو ۲۰+ ضمن تجدید تعهدات سیاسی و تاکید بر اصول ریو و برنامه‌های عمل‌قبلی مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار موضوع اقتصاد سبز را مطرح می‌کند. برخی از موارد رضایت بخش این کنفرانس را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- تدوین نقشه راه برای تعیین اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۱۵.

^{۳۰}.Institutional Framework for Sustainable Development.

^{۳۱}.United Nations Department of Economic and Social Affairs (DESA).

^{۳۲}.United Nations Commission on Sustainable Development (UNCSD).

^{۳۳}.United Nations Environmental Programme (UNEP).

^{۳۴}Gloval Environmental Facility (GEF).

^{۳۵}.United Nations Development Programme (UNDP).

^{۳۶}.World Trade Organization (WTO).

^{۳۷}.International Labour Organization (ILO).

^{۳۸}.The Principle of Common but Differentiated Responsibilities.

^{۳۹}.اقتصاد سبز (Green Economy) ادغام ملاحظات اکولوژیکی (Ecology) با سیاست‌های اقتصادی (Economy) یعنی (Eco-Eco) می‌باشد.

^{۴۰}.The Futur We Want.

- تقویت برنامه ملل متحد برای محیط زیست.
- طرح موضوع اقتصاد سبز و تاکید مجدد بر فقر زدایی.
سند نهایی کنفرانس ریو ۲۰+ یعنی «آینده ای که ما می خواهیم» الزام آور نیست و تنها دولت ها را تشویق و ترغیب می کند تا با بکار گیری مفاد این سند بتوانند ابعاد سه گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) آن را محقق کنند. دست یابی به این اهداف، منوط به اراده دولت هاست، به طوری که در حقوق داخلی خود بستر مناسبی جهت تحقق توسعه پایدار را مهیا سازند. به طور کلی در حقوق بین الملل محیط زیست سه دوره توسعه پایدار وجود دارد.
دوره اول- ریو تا ژوهانسبورگ (گذشته)
دوره دوم- از ژوهانسبورگ تا ریو ۲۰+ (حال)

دوره سوم- بعد از ریو ۲۰+ (آینده) است که سند «آینده ای که ما می خواهیم» اهمیت اهداف توسعه پایدار مبتنی بر دستور کار ۲۱ و برنامه اجرایی ژوهانسبورگ، را با در نظر گرفتن شرایط، ظرفیت ها و اولویت های ملی دولت ها مبتنی بر تعهدات از قبل ایجاد شده با در نظر گرفتن ارکان توسعه پایدار (توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی) را تاکید کرده است. لازم به ذکر است که توسعه اهداف کنفرانس ریو ۲۰+ نباید تلاش جهت دست یابی به اهداف توسعه هزاره را خدشه دار نماید و با خاتمه اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۱۵، اهداف توسعه پایدار جایگزین آن اهداف خواهد شد (پورهاشمی و ارغند ۱۳۹۲، ۴۰).

منابع حقوق بین الملل محیط زیست

گر چه بند اول ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری^{۴۱} ۱۹۴۵ منابع مشخصی را برای حقوق بین الملل عمومی ذکر کرده است، لیکن تحولات پس از تصویب منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، منابع جدیدی را در حقوق بین الملل ایجاد کرده است که می تواند تا حد زیادی خلاء های گذشته را جبران نماید. از این رو ابتدا مروری بر منابع حقوق بین الملل عمومی، سپس به بررسی منابع حقوق بین الملل محیط زیست خواهیم پرداخت.
ضرورت تعیین منابع حقوق بین الملل در روابط بین الملل، همگامی احساس شد که دولت ها خواستند، بدون توسل به زور و تهدیدات سیاسی، اختلافات خود را از طریق حقوقی و بنا بر قواعد بین الملل رفع نمایند. از این رو لزوم تعیین قواعد حقوقی و منابعی که این حقوق از آن ها جاری می شود، عملاً محسوس گردید. (ذوالعین ۱۳۷۷، ۶۳۱)
امروزه بخش اصلی منابع حقوق بین الملل در بند اول ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری متجلی است. طبق بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه، دیوان وظیفه دارد:

۱. اختلافاتی را که به آن ارجاع می شود، طبق حقوق بین الملل حل و فصل کند و موازین ذیل را اجرا کند:
(الف) عهد نامه های بین المللی، اعم از عام (عمومی)^{۴۲} یا خاص (خصوصی) که موجد قواعد (حقوقی) بوده و صریحاً از سوی کشورهای طرف دعوا به رسمیت شناخته شده اند.
(ب) عرف بین المللی به منزله دلیل رویه عام (کلی) که همچون قاعده حقوقی پذیرفته شده است.
(ج) اصول کلی حقوقی که از طرف ملل متمدن به رسمیت شناخته شده اند.
(د) با توجه به مقررات ماده ۵۹ اساسنامه^{۴۳} تصمیمات قضایی و عقاید صالح ترین صاحب نظران حقوق عمومی ملت های مختلف، به منزله وسیله فرعی (کمکی) شناخت قواعد حقوقی.
۲. مقررات حاضر، خدشه ای به اختیار دیوان در صدور حکم مطابق (قاعده صلاح و صواب دید)^{۴۴} وارد نمی آورد، مشروط به اینکه اصحاب دعوا با آن موافق باشند.^{۴۵} (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۴ و ۹۳)

^{۴۱}.International Court of Justice (I.C.J).

^{۴۲}.عام (General): یعنی موضوع معاهده عمومیت دارد.

^{۴۳}.خاص (Particular): یعنی موضوعات معاهده در مورد خاصی است.

بنابراین، طبق مقررات مذکور، منابع اصلی حقوق بین الملل عبارتند از: معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی و منابع فرعی حقوق بین الملل یعنی تصمیمات قضایی بین المللی و دکترین های حقوقی می باشند. امروزه، ماده ۳۸ اساسنامه دیوان، تصویر کاملی از منابع حقوق بین الملل را ترسیم نمی کند، بلکه اعمال حقوقی یک جانبه کشورها و قطعنامه های الزام آور سامان های بین المللی و قواعد آمره نیز هر کدام در تنظیم حقوقی روابط بین الملل موثرند و می توانند به عنوان منبع حقوق بین الملل ایفای نقش کنند. همچنین ذکر منابع به ترتیب ذکر شده، به هیچ وجه به این معنی نیست که بر اساس سلسله مراتب، هر قاعده اعتبار خود را از قاعده بالاتر اخذ کرده باشد، بلکه معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی از حیث اعتبار و آثار حقوقی در یک درجه از اهمیت قرار دارند. با وجود این، دیوان بین المللی دادگستری در استناد به موازین مذکور، ابتدا معاهدات اعم از عام یا خاص، ناظر به فیصله اختلاف طرفین را مد نظر قرار می دهد و در صورت فقدان آن ها، به مقررات عرفی بین المللی اعم از عام یا خاص رجوع می کند و در نهایت، چنان چه نتواند حکم قضیه را به استناد به معاهدات و عرف بیابد، به اصول کلی حقوقی توسل می جوید. در ضمن دیوان در عین توجه به منابع یاد شده، در استناد به تصمیمات قضایی گذشته خود، از اختیار کامل برخوردار است.

به طور کلی قواعد آمره در رأس سلسله مراتب حقوق بین الملل قرار می گیرند و بعد از آن ها، معاهدات عام و عرف های عام و سپس معاهدات خاص و عرف های خاص و در نهایت، اصول کلی حقوقی قرار دارند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۳ و ۹۴) در حقوق بین الملل محیط زیست از دو نوع منابع یکی منابع غیر الزام آور یا نرم^{۴۶} و دیگری منابع الزام آور یا سخت نام می بریم.

اقدامات کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست

۱- مفهوم تدوین

تدوین به صورت عام عبارتست از احصاء منظم قواعد حقوقی معتبر در یک زمان مشخص. بنابراین قوانین عرفی یا مقررات حقوقی را که دارای مبانی دیگر باشد می توان تدوین نمود (گنجی، ۱۳۶۳، ۱۷).
سر سیسل هرست در تعریف تدوین گفته است، تثبیت و تبیین قواعد موجود حقوق بین المللی صرف نظر از اعتبار یا عدم اعتبار آنها یا مهجور و منسوخ بودن و یا تطبیق و سازگاری آنها با مقتضیات عصر جدید، عادلانه یا ناعادلانه بودن آنها از نظر تدوین کنندگان آن (صفوی، ۱۳۴۲، ۱۲۰). بنابراین تدوین عبارتست از تبدیل مقررات موجود در حقوق بین الملل به صورت حقوق موضوعه یا نوشته و به عبارتی دیگر تبدیل حقوق عرفی به قوانین نوشته. اگر این مقوله را با دید منفی تعریف کنیم تدوین به خودی خود نه می تواند منبعی رسمی باشد نه الزام آور و بنابراین فاقد سندیت است. به موجب بند الف ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری اصلی ترین منبع تدوین حقوق عرفی می باشد. بنابراین می توان آن را به صورت زیر تعریف نمود: "تدوین یعنی عمل و نتیجه تبدیل مقرراتی که به عنوان عرفی وجود دارند، به صورت نوشته است". در این حوزه مفهوم تدوین محدود به یک موضوع ساده نبوده و تمام زمینه های قوانین عرفی را در بر می گیرد.
عبارت تدوین حتی شامل نوشتن مجدد قواعد ایجاد شده در مبنای متون قراردادی یا نسخه های قدیمی نیز می گردد. با مراجعه به ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل تدوین را چنین تعریف کرده است: "تدوین حقوق بین الملل عبارتست از تبیین دقیق و علمی قواعد که در عرف، رویه کشورها و دکترین موجود بوده است و تبدیل آن به قواعد قراردادی". بدین ترتیب باید به خاطر داشت که حقوق عرفی از لحاظ ماهوی مبهم و غیر دقیق است بنابراین تنها ثبت و رونویس نسخه های مقررات عرفی به هیچ وجه مفید و مطلوب نخواهد بود. در نتیجه فرآیند تدوین دارای عنصر خلاقیت بوده و مرتباً

^{۴۴}. آرای دیوان تنها نسبت به کشورها یا طرف دعوا و در موردی که موضوع حکم بوده، الزام آور است.

^{۴۵}. این واژه به معنای قاعده انصاف ترجمه شده است.

^{۴۶}. ErgaOmnes.

تحولات زیادی را در خود دارد. این گرایش به تدوین یقیناً گسترده تر از گرایش تبیین مجدد قواعد عرفی است. بنابراین می توان گفت هدف تدوین الزاماً تبیین حقوق موجود (حقوق موضوعه) است. البته امروزه اقدام تدوین را با نوآوری و نوسازی قواعد موجود حقوق بین الملل یکسان می دانند، هم چنان که لوئر پاخت معتقد است که تدوین حقوق بین الملل، توسعه قواعد موجود و رفع موارد متضاد و مبهم در آنهاست. بدین ترتیب می نگریم که امروزه مفهوم تدوین توسعه یافته و تمام مراحل تنظیم مقررات در معاهدات را در بر می گیرد (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۷، ۲۷).

- معایب تدوین

موسسین مکتب تاریخی حقوق معتقدند که حقوق از تاریخ پدید آمده است و به طور لاینقطع در تغییر و تبدیل است. تدوین قوانین بر خلاف این حقیقت تاریخی حقوق را یکجا و بی حرکت و ثابت نگه می دارد و از رشد و توسعه آن جلوگیری می کند (انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد ۱۳۸۹، ۳۲).

ساوینی پیشوای این مکتب را که خود از مخالفان سرسخت تدوین است، اعتقاد دارد تدوین یک عامل بازدارنده پویایی حقوق به شمار می رود. به عقیده بعضی از مولفان در حقوق بین الملل، تدوین رسوم بین المللی موجبات تضعیف حقوق بین الملل را فراهم می کند. از میان مجموعه نظریات مخالف با تدوین حقوق بین الملل دلایل ذیل قابل استخراج است:

- یک رسم بین المللی قبل از اینکه تدوین شود مورد قبول ضمنی کشورهاست و هنگامی که تصمیم به تصویب آن به صورت قرارداد یا عهدنامه صورت گرفته می شود، بحث و مخالفت کشورها باعث می گردد که به فرض توافق های نهایی نیز از ارزش آن کاسته شود. به خصوص که پس از تدوین به صورت قرارداد لازم الرعایه بودن آن مستلزم تصویب یکایک کشورهاست.
- جلوگیری از توسعه طلبی حقوق بین الملل از طریق عقیم کردن قواعد آن در چارچوب خشک قراردادها.
- اگر کوشش برای تدوین قواعد حقوق بین الملل بی نتیجه بماند در واقع قواعد موجود از بین رفته و هرج و مرج و بی نظمی جای آن را خواهد گرفت.
- تدوین سبب از بین رفتن انعطاف قواعد بین المللی می شود، انعطافی که از ویژگی قواعد عرفی است.

- مزایای تدوین

موافقین حقوق بین الملل برای اثبات نظر خویش دلایل ذیل را ارائه می دهند:

- با تدوین رسوم بین المللی از ابهام نسبت به وجود بیم مورد نظر و اختلاف در تعریف آن کاسته می شود و دسترسی به این قواعد برای کشورها و نیز متخصصین مربوطه آسان می شود. به عبارت دیگر تدوین در واقع کار آنها را که با حقوق بین الملل سرو کار دارند تسهیل نموده و در عمل امکان تعریف و تعبیر متفاوت از رسوم بین الملل را کمتر می نماید.
- بسیاری از قواعد و رسوم بین الملل به علت دارا بودن ابهام به جای آن که خط مشی ثابتی را به وجود آورند و روابط بین الملل را بهبود بخشند موجب برانگیختن اختلاف بیشتری می شوند، در حالی که هنگام تدوین این رسوم موارد اختلاف حذف می شود و آنچه مورد توافق صریح اکثریت دولت ها قرار می گیرد ارزش اجرایی بیشتری می یابد.
- تدوین به نفع و سود کشورهای کوچک و صلح جوی جهانی است چه این امکان را از کشورهای بزرگ که اراده و میل خود را در هر مورد مطابق با قواعد کلی حقوق بین الملل توجیه نمایند را تا اندازه ای سلب می نماید.
- تدوین عامل تشویق و برانگیختن فعالیت های علمی و انتشار حقوق بین الملل در افکار عمومی است.
- یکی از دلایل اساسی که مانع می شود که دولت ها برای حل اختلاف بین خود به دادگاه های بین المللی مراجعه نمایند نبودن یک قوانین مدون در حقوق بین الملل می باشد و خصوصاً هنگامی که پای منافع ملی و دولتی در میان است دول حاضر نمی شوند که داوری یا قضاوت را بر اساس قواعد نامعین و غیرمطمئن و به استنباط چند

نفر واگذار نمایند. از جمله عللی که موجب شد آمریکا اساسنامه دیوان دائمی دادگستری را تا پس از جنگ جهانی دوم نپذیرد فقدان حقوق بین الملل با قواعد معین و مدرن بود (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۷، ۲۸).

۲- مفهوم توسعه تدریجی

بررسی مفهوم توسعه تدریجی به ویژه در برگیرنده مفهوم دقیق تدوین می باشد به موجب تعریف ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون توسعه تدریجی عبارتست از تهیه پیش نویس معاهداتی که موضوعی جدید دارند و پیش از این در حقوق بین الملل موضوعه یا عرفی به آن پرداخته نشده است صرف نظر از مفهوم اصلی توسعه تدریجی باید گفت که اگر بنا باشد توسعه شامل موضوعاتی که تاکنون به آن پرداخته نشده است باشد حدود و گسترش مفهوم مستلزم نوعی ابتکار و خلاقیت خواهد بود. بنابراین به طور خلاصه می توان توسعه را به معنی نوشتن قواعد جدید تعریف کرد. به علاوه اگر حقوق نوشته تابعی از قوانین عرفی پیشین نباشد بدون شک آن نیز حقوقی جدید خواهد بود. پس توسعه تدریجی در برگیرنده اصلاح کامل قوانین و یا تغییر بنیادین آن خواهد بود. بدین ترتیب می توان پذیرفت که اگر توسعه مستلزم نوشتن حقوق متحول و اصلاح شده باشد دیگر نیازی به گنجاندن مباحثی تحت عنوان "قانونگذاری جدید" در حقوق بین الملل نخواهد بود. همچنین منطقی نیست که تنها به خاطر اینکه دایره توسعه محدود است مفهوم عنوان شده در ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون را کنار بگذاریم. مفهوم واقعی توسعه تدریجی در عمل بسیار گسترده است زیرا توسعه به تبیین و تثبیت قواعد در زمینه موضوعاتی که تاکنون به آنها پرداخته نشده و یا هنوز در رویه دولت ها به حد کافی توسعه نیافته اند نیز اطلاق می گردد. در نتیجه این امر مساله زمان ایجاد قواعد عرفی جدید را پیش می کشد به طوری که می توان تفسیر و تبدیل قواعد عرفی به صورت مدون و مکتوب را به عنوان تدوین توصیف کرد. حقوق عرفی و قوانین نوشته در مراحل مختلفی در خلال فرآیند پیشنهاد طرح و پس از آن بایکدیگر تعامل دارند اما آنجا که تدوین معمولاً به مسائل تهیه قوانین پیشنهادی مثلاً روش ها و رویه کنوانسیون و روش کار کنفرانس دیپلماتیک مرتبط می شود لذا عملی به نظر می رسد که آن دسته از قواعد عرفی را که پیش از پذیرش نهایی متن، کامل و یا در خلال آن مطرح و تثبیت می شود به عنوان قوانین موضوعه بنامیم. یک متن پیشنهادی که اساساً قواعد جدید یا اصلاح شده باشد ممکن است در مرحله کنفرانس دیپلماتیک با مشکلاتی مواجه شود و کمیسیون و یا هر نهاد پیشنهاد دهنده دیگری به منظور حصول اطمینان از قابل پذیرش بودن نهایی آن، آنها را به عنوان قواعد مدون معین نماید. در حقیقت چنین طرز تفکری بود که منجر به طرح مفاهیم جدیدی از تدوین و انتقادات گسترده نسبت به ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون گردید. در پایان می توان توسعه تدریجی را این گونه تعریف کرد: تهیه مقاوله نامه در مورد مسائلی که جزء رسوم بین المللی نبوده و احتیاجات بین المللی و منافع کشورها ایجاد می کند که حقوق و وظایف کشورها نسبت به آنها طی یک قرارداد جهانی روشن و مشخص گردد و یا همانگونه که ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل آن را تعریف کرده توسعه یعنی تهیه عهدنامه در مورد مسائلی که در حقوق بین الملل قواعدی در مورد آنها وجود ندارد و احتیاجات بین المللی و منابع همگانی ایجاد می کند که در حقوق بین الملل منظور گردند (گنجی ۱۳۶۳، ۱۷).

۳- ویژگی های تدوین و توسعه حقوق بین الملل در دوره معاصر

به طور کلی پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، ایده توسعه و تدوین حقوق بین الملل شتاب بیشتری به خود می گیرد. از جمله دلایل این امر که منجر به توسعه و تدوین حقوق بین الملل در این دوره معاصر می شود می توان از موارد ذیل نام برد:

الف- خسارات و ضایعات ناشی از جنگ جهانی دوم بروز نوعی روحیه انزجار از جنگ و موجب نوعی از روحیه صلح طلبی و عدالت خواهی و احترام به قواعد و مقررات بین المللی در جهت جلوگیری از بروز مجدد جنگ و درگیری در سطح بین المللی در افکار عمومی من جمله تدوین کنندگان منشور ملل متحد می شود. بروز چنین روحیه ای توأم با این باور که تدوین مقررات بین المللی موجب روشن شدن موارد ابهام و اختلافات نسبت به رسوم بین المللی گردیده نهایتاً از تضادها و تنش های

احتمالی بین کشورها جلوگیری خواهد کرد و موجب گردید که مسئله تدوین و توسعه حقوق بین الملل در منشور ملل متحد مورد توجه قرار گرفته و پیش بینی های لازم در این زمینه صورت پذیرد .

ب- پیشرفت های سریع علم و تکنولوژی که در پایان جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید ، این ضرورت را ایجاب می نماید که قواعد و مقررات جدید بین المللی که پاسخگوی احتیاجات عصر حاضر می باشد وضع گردد . مسافرت موفقیت آمیز انسان به کره ماه و کشف نیروهای اتم دو نمونه ای هستند که در مورد آنها نمی شود به قوانین بین المللی سابق اکتفا نمود . از این رو به موازات اکتشافات و اختراعات جدید وضع مقررات جدید نیز امری لازم و واجب می باشد .

ج- در نتیجه تشدید موج استعمار زدایی و نیل به استدلال کثیری از کشورهای آفریقایی و آسیایی به خصوص از سال های ۱۹۵۰ به بعد اعضای سازمان ملل و نیز شرکت کنندگان در مجامع و کنفرانس های بین المللی توأم با دیدگاه های خاص چند ویژگی را در زمینه تدوین و توسعه حقوق بین الملل در پی داشت .

۴- تفاوت تدوین و توسعه حقوق بین الملل

اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل (مانند ماده ۱۳ منشور) در ماده یک هدف ایجاد این کمیسیون را توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن ذکر کرده است . در بند دوم همین ماده نوشته شده که مأموریت خاص این کمیسیون در قلمرو حقوق بین الملل عمومی است ، بدون اینکه این موضوع مانع شود که این کمیسیون به قلمرو حقوق بین الملل خصوصی وارد گردد . موضوع قابل توجه در سیستم سازمان ملل اختلافی است که صریحاً بین توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن وجود دارد . این تفاوت که در ماده ۱۳ منشور دیده می شود در اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل به صورت روشن تری ظاهر شده است . طبق ماده ۱۵ این اساسنامه مقصود از ترقی یا توسعه تدریجی حقوق بین الملل انشای طرح کنوانسیون ها در مسائلی است که هنوز توسط حقوق بین الملل تنظیم نشده است و یا درباره آنها قواعد بین المللی در عمل به حد کافی رشد نکرده است ، در صورتی که مقصود از تدوین حقوق بین الملل انشای حقوق بین الملل به نحو دقیق تر و منظم تر و در زمینه هایی است که عمل دول و دکتترین موافق در حال حاضر وجود دارد .

نکته دیگری که در این مورد باید اضافه شود این است که با توجه به توضیحات قبلی می توان گفت تدوین حقوق بین الملل خواه و ناخواه توسعه تدریجی حقوق بین الملل را هم در بر دارد . این رشته از حقوق در هیچ قسمتی آنقدر کامل نیست که بدون اصلاح و تغییر بتوان آن را عیناً به صورت نوشته درآورد (ذوالعین ۸۳۹) .

ماده ۲۳ اساسنامه کمیسیون شاید دلیلی برای تمیز این دو مطلب از یکدیگر باشد ، بنابراین ماده طرح هایی را که کمیسیون به مجمع عمومی طی گزارشی پیشنهاد می نماید ، ممکن است با توصیه های زیر همراه باشد :

اولاً- مجمع عمومی تنها به قرائت گزارش اکتفا کند .

ثانیاً - گزارش در قطعنامه ای گنجانده شده و به تصویب رسانده شود .

ثالثاً - طرح پیشنهادی به منظور انعقاد یک کنوانسیون به اعضا توصیه شود .

رابعاً - به منظور انعقاد معاهداتی بنابر طرح پیشنهاد شده از سوی دولتها، برای تشکیل کنفرانس، دعوت به عمل آید .

به این ترتیب دیده می شود هنگامی که کمیسیون طرحی مربوط به تدوین حقوق بین الملل را به مجمع پیشنهاد می کند چون بنابر مندرجات اساسنامه ، تدوین تنها متکی بر حقوق موجود است ممکن است توصیه نماید که تنها به قرائت آن طرح اکتفا شده و عمل دیگری صورت نگیرد و بدین ترتیب خطر کردن آن و یا بدست نیارودن تصدیق های لازم پیش خواهد آمد .

صرف نظر از مباحث حقوقی این موضوع که در "تدوین حقوق بین الملل" و "یا توسعه تدریجی حقوق بین الملل" کدام یک مفیدتر بوده و مقدم باید باشد مدت هاست که از نظر سیاسی نیز مورد بحث و اختلاف می باشد . دول غربی و همچنین دولت های دیگری که به منشاء های محافظه کارانه پایبند هستند ، تدوین حقوق بین الملل را مقدم می شمارند . در حالیکه دول جدید به توسعه تدریجی حقوق بین الملل توجه دارند زیرا از این نظر حقوق بین الملل سابق یک حقوق استعماری است که دیگر قابل استناد نمی باشد .

۵- ضرورت و جایگاه تدوین از چارچوب سازمان ملل متحد

ضرورت و اهمیت توسعه مترقیانه و تدوین حقوق بین الملل در جریان نشست دولت ها در سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ مورد تاکید قرار گرفت و همچنین منشور ملل فراهم آوردن شرایطی را که در آن عدالت و احترام و پایبندی به تعهدات بین المللی ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین الملل محفوظ باشند به عنوان یکی از اهداف اصلی خود بیان کرد. منشور برای دستیابی به این هدف در قسمت اول بند الف ماده ۱۳ منشور به مجمع عمومی ماموریت داد تا به منظور توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین الملل مطالعاتی را آغاز و پیشنهادهای را ارائه نماید اما اصطلاحات تدوین و توسعه را توضیح نداده است. باتوجه به سیاق کلام منشور که حاکی از آن است که قسمت دوم بند (ب) ضمن ارجاع به فصول ۹ و ۱۰ در وهله اول در پی ایجاد قوانین جدیدی برای توسعه همکاری های بین المللی است. چنین به نظر می رسد که قسمت اول بند الف تاکید ویژه ای بر مساله تدوین دارد. این قسمت از ماده ۱۳ منشور در واقع منبعث از پیشنهاد هیات چینی در مرحله دوم کنفرانس دمبارتن اوکس می باشد در نهایت یک کمیته فرعی تشکیل شد و ۲ پیشنهاد زیر را ارائه کرد تا یکی از آنها انتخاب گردد. مجمع موظف است با انجام بررسی های لازم پیشنهادهای را به منظور الف) تدوین حقوق بین الملل، کمک و مساعدت در جهت توسعه و اصلاح آن ارائه نماید. ب) کمک به توسعه مترقیانه حقوق بین الملل و تدوین آن ارائه نماید. در جریان رای گیری در سازمان ملل متحد انتخاب اول تنها ۸ رای موافق بدست آورد در حالی که انتخاب دوم به ۲۸ رای دست یافت. در سال ۱۹۴۷ مجمع با تشکیل کمیته ای این مساله را بررسی کرد که چگونه می تواند چنین وظیفه ای را به انجام برساند این کمیته تاسیس کمیسیونی را به نام کمیسیون حقوق بین الملل پیشنهاد کرد که می بایست از افراد دارای تخصص و اهلیت در مورد مسائل مربوط به حقوق بین الملل تشکیل یابد و پیش نویس اساسنامه کمیسیون در نوامبر همان سال توسط یکی از کمیته های فرعی کمیته ششم تهیه و سرانجام مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۱۷۴ خود تاسیس کمیسیون را پذیرفت و اساسنامه آن را تصویب کرد. در عین حال مجمع عمومی مرتباً بر اهمیت و ارزش پیشبرد و توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین الملل به عنوان وسیله ای جهت جامه پوشاندن به اهداف و اصول مطرح شده در منشور پافشاری نموده و بر نقشی که کمیسیون حقوق بین الملل در این رابطه به عهده دارد تاکید می ورزد. قطعنامه ۱۵۰۵ مجمع عمومی که در دسامبر ۱۹۶۰ در مورد برنامه های آتی کمیسیون در زمینه تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل صادر شد، وجود رابطه ای متقابل بین این ۲ مقوله را از یک طرف و واقعیت های موجود در روابط بین الملل را از سوی دیگر پذیرفت. متن قطعنامه با پذیرفتن این مساله گرایش های جدیدی در زمینه روابط بین المللی بر توسعه حقوق بین الملل موثر بود و لزوم تعیین برنامه کاری آینده کمیسیون با در نظر گرفتن پیشرفت های بعمل آمده در حقوق بین الملل و نیاز به تقویت روابط مسالمت آمیز و همکاری بین دولت ها به طور ضمنی اذعان کرده است که تدوین و توسعه مترقیانه حقوق بین الملل نیز به نوبه خود می تواند بر روابط بین المللی تاثیر گذارد و ممکن است سبب تقویت همکاری های بین المللی گردد. این قطعنامه بر ۲ اصل اساسی تاکید دارد:

- ۱- هدف کلی تدوین عبارتست از تقویت صلح بین المللی، توسعه روابط صلح آمیز بین ملت ها و حل و فصل اختلافات به طرق مسالمت آمیز و کمک به پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان.
- ۲- تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل مناسب ترین وسیله تقویت و پیشبرد گرایشات ذکر شده در روابط بین المللی می باشد، علی رغم این عقیده که تدوین را منحصرأ جمع آوری قواعد عرفی و رویه موجود در قالب سازمان یافته می داند، این مقوله می تواند دریافتن راه حلهایی برای تمامی مشکلات جامعه بشری نقش موثری داشته باشد (اگهرست ۴۵، ۱۳۷۲).

کمیسیون حقوق بین الملل

۱- مبنا و اهداف کمیسیون حقوق بین الملل
تلاش برای صلح همان گونه که در حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات نشان داده شده است سالهای متمادی توجه سیاست مداران سراسر جهان را از زمان تشکیل اولین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ به خود معطوف داشته و در کنفرانس دوم لاهه در ۱۹۰۷ نیز با قدرت پیگیری شد. دهه موسوم به دهه حقوق بین الملل که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده به عنوان آخرین مرحله از تلاش های صلح جویانه بین المللی برای فراهم ساختن زمینه سومین کنفرانس صلح لاهه است که در سال ۱۹۹۹

تشکیل شد. جهان امروز از سال ۱۸۹۹ تا کنون راه درازی را پیموده است و اکنون امکانات مناسبی را برای رسیدن به یک هدف اندیشمند و جهانی مورد پذیرش عموم را، در اختیار دارد و این چیزی است که باید در دهه حقوق بین الملل تحقق یابد (انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد ۱۳۸۹، ۳۰).

مردم کشورها در اعمال حق تعیین سرنوشت خویش آزادند و دولت‌ها نیز به یک اندازه آزادند و بایستی به آنها اجازه داده شود تا از رشد اختلافات و تبدیل آن به جنگ و خونریزی و دشمنی ممانعت نمایند.

افزایش کیفیت حقوق بین الملل موجب خواهد شد که همگان به توانایی‌ها و قابلیت‌های آن در حل و فصل اختلافات اطمینان پیدا کنند. اصولاً دولت‌ها نمی‌توانند جذب علامتی شوند که خود توهماتی بر مبنای مفاهیم کهنه و پوسیده و هنجارهایی هستند که با گذشت زمان خاصیت خود را از دست داده‌اند.

بر مبنای این تفکر که قانون و اعتماد بیشتر دولت‌ها در حل و فصل مخاصمات با شیوه مسالمت آمیز و با انتخاب خود جلب خواهد کرد، فکر واگذاری و مسئولیت فراهم کردن مقدمات توسعه و تدوین حقوق بین الملل به رکن بین الملل متشکل از متخصصین حقوق بین الملل برای اولین بار در قالب جامعه ملل شکل می‌گیرد. در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ به موجب قطعنامه ۱۷۴ مجمع عمومی در ۱۲۲ نشست خود کمیسیون حقوق بین الملل را به عنوان نهاد دائمی تدوین حقوق بین الملل تاسیس کرد.

۲- هدف تشکیل کمیسیون

بر اساس بند اول ماده اول اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل این کمیسیون با هدف توسعه تدریجی تدوین حقوق بین الملل بوجود آمده است. ماده ۱۵ اساسنامه این ۲ مساله یعنی توسعه تدریجی و تدوین را این گونه از یکدیگر تفکیک می‌نماید. مراد از توسعه تدریجی تکوین متونی در زمینه‌هایی است که حقوق بین الملل به آنها نپرداخته است یا عملکرد دولت‌ها در آنها هنوز در حد مطلوبی توسعه نیافته است و منظور از تدوین یعنی تبیین دقیق و علمی قواعدی که در عرف رویه کشورها و دکترین موجود است و تبدیل آن به قواعد قراردادی.

نحوه وظایف و روش کار کمیسیون حقوق بین الملل

بند ۱: نحوه انجام وظایف کمیسیون: بسته به اینکه کمیسیون عهده دار انجام کدامیک از مقولات تدریجی تدوین باشد، مساله حق انتخاب موضوع متفاوتی خواهد بود. کمیسیون در مورد طرح‌های مربوط به توسعه تدریجی، حق هیچ گونه پیشنهاد و یا انتخابی را ندارد. بند اول مواد ۱۷-۱۶ اساسنامه کمیسیون این صلاحیت را به مجمع عمومی سازمان ملل، ارکان سازمان ملل متحد (از جمله شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) و آژانس‌های تخصصی واگذار کرده است ولی بند ۲ ماده ۱۷ اساسنامه کمیسیون، این مساله را که آیا بررسی و مطالعات پیشنهادات ارائه شده از سوی این سازمانها مناسب می‌باشد یا نه، به صلاحدید کمیسیون واگذار کرده است. در واقع کمیسیون زمانی که در اولین جلسه سال ۱۹۴۹ خود، ۲۵ عنوان مطرح شده از سوی دبیرکل را مورد بررسی قرار داد، مقررات فوق‌الذکر را نادیده گرفت و از این تعداد، کمیسیون تنها ۱۴ عنوان را برگزید. طرحهای بعدی کمیسیون نشان داد که این موضوعات مقداری گسترده‌اند که لزوماً مستلزم توسعه تدریجی می‌باشند، از طرف دیگر در رابطه با تدوین حقوق بین الملل، ماده ۱۸ اساسنامه کمیسیون، از کمیسیون می‌خواهد تا ضمن بررسی کلیه مسائل حقوق بین الملل عناوین موضوعات مربوط به تدوین را برگزیند. اما در عمل ماده ۱۸ توسط کمیسیون و کمیته ۶ بدین صورت تفسیر شد که کمیسیون و مجمع هر دو می‌توانند در این زمینه ابتکار عمل داشته باشند، هر چند اولویت همواره با درخواستهای مطرح شده از سوی مجمع بوده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷، ۲۹).

نهادهای مشابه کمیسیون حقوق بین الملل

در اینجا چند نهاد شناخته شده که تا حدودی دارای زمینه مشترک با کمیسیون حقوق بین الملل و فعالیتهای آن می‌باشند، اشاره می‌شود (انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد ۱۳۸۹، ۳۴).

۱- کمیته ششم حقوقی :

یکی از هفت کمیته اصلی و وابسته به مجمع عمومی و یک نهاد سیاسی است که از نمایندگان دولتها تشکیل می شود. این کمیته کاربرد قانونی و حقوقی مواد الحاقی به منشور ملل متحد ، نظرات حقوقی ارجاع شده از سوی کمیته های دیگر مجمع عمومی را مورد بررسی قرار داده و نظرات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری را تقاضا می نماید. همچنین اقداماتی را در جهت تقویت فرآیند تدوین و توسعه تدریجی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم و با هماهنگی کمیته حقوق بین الملل به عمل می آورد .

۲- کمیسیون حقوق تجارت بین الملل (آنسیترال).

۳- کمیته ویژه استفاده صلح آمیز از بستر و زیر بستر دریاها واقع در ماوراء مناطق تحت صلاحیت دولتها.

اقدامات کمیسیون حقوق بین الملل در تدوین و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست در خصوص توسعه حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان شاخه ای جداگانه از حقوق بین الملل در اولین مرحله اقداماتی درباره حقوق دریاها صورت گرفت ولی شروع آن به طور شفاف و صریح در خصوص محیط زیست نبود . بلکه حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از دستورات مهم کار کمیسیون به طور واضح و روشن بعد از تدوین کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ بود . در این راستا کمیسیون حقوق بین الملل با پرداختن به موضوعاتی که منجر به آسیب های زیست محیطی می باشد تلاش هایی داشته است ، از جمله : استفاده غیر کشتیرانی از آبراههای بین المللی ، پیشگیری و مسئولیت بین المللی آسیب های فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک و منع نشده ، ارائه و مدیریت عقلانی منابع طبیعی ، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه و حفاظت از اتمسفر . در ذیل به بررسی آنها اشاره خواهد شد .

۱- کنوانسیون ماهیگیری و حفاظت منابع جاندار دریای آزاد ۱۹۵۸

۲- کنوانسیون راجع به حقوق استفاده غیرمشترک از آبراه های بین المللی

۳- طرح راجع به مسئولیت بین المللی برای خسارات ناشی از اعمال منع نشده

اصولاً مسئولیت بر یکی از ۲ مبنای خطا و خطر قرار دارد . مسئولیت بین المللی مبتنی بر خطا عبارت از تعهدی است که یک دولت به علت عدم اجرای تعهدات بین المللی خود در قبال دولت یا دولت های دیگر برای جبران خسارت وارد شده پیدا می کند . به عبارت دیگر مقررات مسئولیت به وقوع اعمال غیر قانونی و آثار حقوقی این اعمال مربوط می گردد. لازم به یادآوری است که معمولاً تعهدات بین المللی یا به صورت فعل یعنی تعهد بر انجام عمل و یا اعمال خاصی به صورت ترک فعل یعنی تعهد بر خودداری از انجام عمل یا اقدامات خاصی قرار گرفته است . اما مسئولیت بین المللی مبتنی بر خطر عبارتست از مسئولیت دولت ها در قبال زیان های ناشی از اعمالی که حقوق بین الملل آنها را منع نکرده است . مبنای تمایز میان مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه Responsibility و مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده Liability این است که لازمه مسئولیت نوع اول ارتکاب عملی است که حقوق بین الملل را نقض کرده باشد و حال آنکه نوع دوم به آثار زیان آور ناشی از فعالیت هایی که حقوق بین الملل را نقض نمی کند مربوط می شود.(رئیس ۱۳۸۵،۷۹)

۴- طرح راجع به منابع طبیعی مشترک (آب های زیرزمینی، نفت و گاز)

کمیسیون حقوق بین الملل بررسی موضوع منابع طبیعی مشترک را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرد. کمیسیون در این بررسی با چند چالش مواجه بود اول اینکه همه منابع طبیعی مشترک (آب های زیرزمینی، نفت و گاز) را در یک سند مورد بررسی قرار دهد یا اینکه با توجه به خصوصیات هریک از منابع طبیعی سند مجزا تهیه کند اولین مورد، بررسی توأم یا مجزای آب های زیرزمینی محصور و نفت و گاز بود.

۵- حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه

اینکه تاثیرمخاصمات مسلحانه بر محیط زیست در طول و بعد از درگیری های مسلحانه می تواند تهدیدی جدی بر معیشت و حتی حیات انسان و جوامع انسانی باشد نکته ایی است که مدت زیادی است که شناخته شده است. زیرا این تاثیر دراز مدت است و ممکن است جبران ناپذیر باشد و مانع از بازسازی موثر جامعه شود، مناطق بکر را از بین ببرد و یا اکوسیستم های مهم را مختل نماید. حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه در درجه اول از دوربین حقوق جنگ از جمله حقوق بشر دوستانه بین المللی، مشاهده شده است. با این حال این دیدگاه به عنوان حقوق بین المللی مدرن که حقوق بین الملل قابل اعمال در طول مخاصمات مسلحانه ممکن است گسترده تر از حقوق جنگ باشد بسیار محدود است. این موضوع نیز توسط کمیسیون حقوق بین الملل در کار اخیر خود در مورد اثر مخاصمات مسلحانه بر معاهدات بررسی شده است. این کار به عنوان نقطه شروع (ماده ۳) در فرضی که وجود مخاصمات مسلحانه به نفس خود معاهدات را فسخ یا تعلیق نمی کند، اشاره شده است و چند دسته از معاهدات مربوط به حفاظت از محیط زیست ممکن است در طول مخاصمات مسلحانه به دلیل موضوع آن ها نیز ادامه یابند (Yearbook of international law comission 2013).

۵-۱- پیش زمینه

ضرورت حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه آینده محدود به قرن ۲۱ یا حتی ۲۰ نیست. بلکه در مقابل این امکان وجود دارد برای رد یابی قواعد مربوط به محیط زیست طبیعی و منابع آن به زمان باستان برگردیم. این قوانین از نزدیک با نیازهای انسان ها به ضرورت منابع طبیعی برای بقا از جمله آب سالم، در ارتباط بوده است. لذا با توجه به شرایطی آن مخاصمات در گذشته و همچنین ابزار و روش های مورد استفاده در آن جنگ ها و خطر تخریب محیط زیست محدود بود.

۵-۲- کارهای صورت گرفته توسط نهادهای دیگر

در سال ۲۰۱۰ کمیته بین المللی صلیب سرخ موضوعی را با موضوعیت وضعیت فعلی حقوق بشردوستانه بین المللی مطرح کرد. در ارائه آن در مورد موضوع تقویت حفاظت حقوقی برای قربانیان درگیر در مخاصمات مسلحانه کمیته بین المللی صلیب سرخ به این نتیجه رسید که حقوق بشردوستانه باید در جهت حفاظت از محیط زیست تقویت شود. کمیته بین المللی صلیب سرخ نتیجه می گیرد که رشد و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست در دهه های اخیر با توسعه حقوق بین الملل بشردوستانه مشابه نیست. روشن شدن و توسعه حقوق بین الملل بشردوستانه برای حفاظت از محیط زیست عقب مانده است. این یک نتیجه گیری قابل توجه است زیرا کمیته بین المللی صلیب سرخ عمدتاً از عدم اجرای مفاد حقوق بشردوستانه بین المللی ابراز نگرانی می کند.

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد و نهاد حقوقی محیط زیست همراه با هم و با متخصصان پیشرو در حقوق بین الملل و کمیته جهانی صلیب سرخ در یک ارزیابی حقوقی حفاظت از محیط زیست در طول مخاصمات مسلحانه که گزارش سال ۲۰۰۹ حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه- پرسشنامه و تجزیه و تحلیل از حقوق بین الملل را فراهم کرد. این گزارش

چهار رکن اصلی حقوق بین الملل که حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه را فراهم می کند مورد بررسی قرار می دهد:

۵-۳- پیشنهاد برنامه محیط زیست ملل متحد به کمیسیون حقوق بین الملل

اینکه محیط زیست همچنان قربانی خاموش جنگ های مدرن است شکی نیست در همین راستا برنامه محیط زیست ملل متحد و موسسه حقوق محیط زیست برای ارزیابی مشترک در مورد وجود چارچوب قانونی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست در درگیری های مسلحانه را در سال ۲۰۰۹ بر عهده گرفتند. این ارزیابی نتیجه یک جلسه کارشناسی بین المللی برگزار شده توسط برنامه محیط زیست ملل متحد و کمیته بین المللی صلیب سرخ است. بر اساس ۱۰ یافته مهم، این گزارش برای ۱۲ پیشنهاد، در میان آنهایی که کمیسیون حقوق بین الملل، به عنوان رکن پیشرو و متخصص در حقوق بین الملل، باید قوانین موجود بین المللی برای حفاظت از محیط زیست در درگیری های مسلحانه را بررسی کند و اینکه این چگونه می تواند روشن، مدون و گسترده شود را پیشنهاد دهد، فراهم می کند.

این گزارش نشان می دهد که موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

الف. وجود مقررات قانونی و شناسایی شکاف ها و موانع اجرایی

ب. شناسایی گزینه ها برای روشن شدن و تدوین این رکن قانونی

ج. تعریف اصطلاحات کلیدی مانند گسترده، بلند مدت و شدید

د. توجه به استفاده از موافقتنامه های زیست محیطی چندجانبه در درگیری های مسلحانه به عنوان بخشی از تجزیه و تحلیل در حال انجام از "اثر درگیری های مسلحانه در معاهدات".

ه. توسعه حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی در زمینه درگیری های مسلحانه غیر بین المللی

ر. توجه به جزییات نحوه استانداردها، رویه و پرونده های حقوقی حقوق بین الملل محیط زیست می توانند برای روشن شدن شکاف ها و ابهامات در حقوق بشردوستانه بین المللی مورد استفاده قرار گیرد.

۵-۴- مسائل عمده مطرح شده توسط موضوع

پیشنهاد ارائه شده توسط برنامه محیط زیست ملل متحد، اگر موضوعی مناسب برای کمیسیون باشد باید انتشار یابد (Yearbook of international law comission 2013).

به طور کلی دیوان معتقد است که حمایت های صورت گرفته توسط حقوق بشر در مورد مخاصمات مسلحانه، مگر از طریق اثر مقررات مربوط به وضعیت اضطراری یافت شده در ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، متوقف نمی شود. در مورد رابطه بین حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر امکان سه حالت وجود دارد: برخی حقوق ممکن است به طور انحصاری در مسائل مربوط به حقوق بشر دوستانه بین المللی، برخی ممکن است به طور انحصاری در مسائل مربوط به حقوق بشر و برخی مربوط به هر دو شاخه حقوق بین الملل باشند.

به نظر می رسد که هیچ دولت یا رکن قضایی در مورد اعمال موازی شاخه های مختلف قوانین بین المللی از جمله حقوق بشر، حقوق پناهندگان و محیط زیست شکی نداشته باشد. همچنین به نظر می رسد که دولتها و مراجع قضایی به همان اندازه به توسعه دقیق و تعادل حوزه های مختلف حقوق مردم باشند. در عین حال نیاز آشکار به تجزیه و تحلیل و دستیابی نتیجه در ارتباط با این مسئله وجود دارد. این توسعه های جدید در اعمال قوانین بین المللی است و دولتها با مشکلات محسوس از نیازهای فوری مواجه شدند.

۵-۵- پیشنهاد

تقریباً دو دهه پیش چند نهاد قانونی و نیمه قانونی مسئله حفاظت از محیط زیست در زمان درگیری های مسلحانه را بیان کردند. این نشانه مشخصی از وجود یک مشکل قانونی و نیاز به رسیدگی به موضوع است. از این رو کمیسیون حقوق بین الملل بررسی این موضوع را در برنامه کار بلند مدت خود قرار می دهد. در این هدف باید:

- میزان مشکل حقوقی را شناسایی کند.
- هرگونه تحولات جدید در پرونده حقوقی و یا قوانین عرفی را شناسایی کند.
- کاربرد و ارتباط میان حقوق بشردوستانه بین المللی، حقوق بین الملل کیفری، حقوق محیط زیست بین المللی و حقوق بشر را روشن کند.
- علاوه بر این یافته ها از فعالیت کمیسیون حقوق بین الملل در مورد اثر درگیری های مسلحانه بر معاهدات به ویژه در مورد مسائل مربوط به ادامه اعمال معاهدات مربوط به حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر توسعه یابد
- رابطه بین حقوق معاهدات موجود و تحولات حقوقی جدید از جمله استدلال حقوقی روشن شود
- اینکه چه کارهایی برای رسیدن به یک سیستم یک نواخت و منسجم برای جلوگیری از تکه تکه شدن صورت گیرد پیشنهاد گردد.
- تدوین قوانین قابل اجرا در نظر گرفته شود و اصول کلی حقوق بین الملل مربوط به موضوع تدوین گردد (Yearbook of international law comission 2013).

۶- حفاظت از اتمسفر

اتمسفر (توده هوا)، عمدتاً موجود در تروپوسفر و استراتوسفر، بزرگترین منبع طبیعی این سیاره است، و برای بقای نوع بشر ضروری می باشد، مدت طولانی است که تخریب شرایط جوی مایه نگرانی جدی برای جامعه بین المللی بوده است. در حالی که تعدادی کنوانسیون های مربوط برای حفاظت فرامرزی و جهانی از اتمسفر به تصویب رسیده اند، اما با این وجود شکاف قابل توجهی از نظر پوشش گیاهی، فعالیت های کنترل شده، موارد تحت کنترل، و مهمتر از همه اصول و قواعد قابل اجرا رها شده است. این رویکرد تدریجی تا به حال محدودیت های خاصی برای اتمسفر داشته است، که با طبیعت فعلی خود طرز عمل کل نگری را تضمین می کند. از این رو این رویکرد بر این باور است که کمیسیون می تواند با تدوین و توسعه تدریجی اصول قانونی مربوطه و قوانین تحت عمل دولتها و علم حقوقی سهم قابل توجهی را داشته باشد.

حصول اطمینان از اینکه کمیسیون حقوق بین الملل به طور کامل درگیر با نیازهای امروزی جامعه بین المللی است از اهمیت بالایی برخوردار است. در حالی که پیش نویس مواد کمیسیون در مورد نهرهای بین المللی و سفره های آبهای فرامرزی شامل برخی مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست می شود، کمیسیون به تمام موضوعات در زمینه حقوق بین الملل محیط زیست از آنجایی که نتیجه گیری از این موضوعات در مسئولیت اوست (مانند پیشگیری از آسیب های فرامرزی و تشخیص از دست دادن) و به نظر می رسد حذف قابل توجهی در زمانی که جهان در حال تخریب محیط زیست حیاتی است، رسیدگی نکرده است. از این رو پیشنهاد شده است که کمیسیون برای برنامه کار آینده خود موضوع حفاظت از اتمسفر یا جو را در نظر داشته باشد (Yearbook of international law comission 2013).

۶-۱- علت اساسی موضوع پیشنهادی

نوشتجات و اعمال دولتی بسیاری در این زمینه وجود دارد. اغلب حکم های اتخاذ شده داورى تریل اسملتر (ایالات متحده امریکا-کانادا ۱۹۸۳-۱۹۴۱) پرونده پیشرو در آلودگی هوای فرامرزی بوده است. در ۱۹۵۰ آزمایش های هسته ای جویی خود را به عنوان یکی از اولین مسائل محیط زیستی مواجه با جامعه بین المللی آشکار نمود. پرونده آزمایش های هسته ای (

استرالیا- فرانسه، نیوزیلند- فرانسه (۱۹۷۳) در دیوان بین‌المللی دادگستری بحث‌های داغی در مورد امکان آلودگی جوی برانگیخت. دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظر مشورتی خود در مورد قانونی بودن استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶، نیز به تعهد دولتها به خودداری از ایراد آسیب‌های جدی محیط زیستی از آلودگی فرامرزی شان، از جمله آلودگی هوا، اشاره کرد. حوادث در تاسیسات هسته‌ای می‌تواند اثرات مستقیم بر محیط زیست جوی داشته باشد، همان‌گونه که با حادثه تر مایل آیلند در سال ۱۹۷۹ و چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ و همچنین آسیب به نیروگاه‌های هسته‌ای فوکوشیما ناشی از زلزله عظیم و سونامی ۱۱ مارس ۲۰۱۱، که در حال حاضر یک نگرانی اساسی جامعه بین‌المللی است، نشان داده شده است. معاهدات و اعمال غیر معاهده‌ای مربوط عبارتند از:

- کنوانسیون ECE در مورد دامنه فرامرزی آلودگی هوا (۱۹۷۹، لازم‌الاجرا ۱۹۸۳)، پروتکل نظارت و ارزیابی (۱۹۸۴)، پروتکل گوگرد (۱۹۸۵)، پروتکل NOx (۱۹۸۸)، پروتکل ترکیبات آلی فرار (۱۹۹۱)، پروتکل گوگرد (۱۹۹۴)، پروتکل آرهوس در فلزات سنگین (۱۹۹۸)، پروتکل آرهوس در آلاینده‌های آلی پایدار (۱۹۹۸)، پروتکل گوتنبرگ به کاهش اسیدی کردن، انباشت آب و سطح زمین ازن (۱۹۹۹)
- کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن (۱۹۸۵)
- پروتکل مونترال در مورد تقلیل لایه ازن (۱۸۹۷)
- EC راهنمای احتراق بزرگ (۱۹۸۸-۲۰۰۱)
- توافقنامه کیفیت هوا در ایالات متحده آمریکا - کانادا (۱۹۹۱)
- کنوانسیون سازمان ملل در مورد تغییرات اقلیمی (UNFCCC - ۱۹۹۲)
- پروتکل کیوتو به UNFCCC (۱۹۹۷)
- موافقتنامه فرامرزی تیرگی هوای آسه آن (۲۰۰۲)
- اعلامیه استکهلم در مورد محیط زیست انسان (۱۹۷۲)
- قطعنامه فرامرزی آلودگی هوا (۱۹۸۷)
- اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه (۱۹۹۲)
- پیش‌نویس مواد ILC (کمیسیون حقوق بین‌الملل) در پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی (۲۰۰۱)
- پیش‌نویس اصول کمیسیون حقوق بین‌الملل در تشخیص از دست دادن در مورد آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۶)

همکاری با نهادهای دیگر

همکاری با نهادهای دیگر به شیوه‌های مختلف برای انجام یک مطالعه و تشریح پیش‌نویس مواد در مورد حفاظت از جو قابل تصور است. در میان بقیه انجمن حقوق بین‌الملل در حال حاضر تعدادی از مطالعات مربوط به موضوع را انجام داده است.

۱- توسعه نهادها

توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست از طریق نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نیز چشمگیر بوده است. امروزه هزاران نهاد اعم از جهانی و منطقه‌ای، وابسته به سازمان ملل و غیر وابسته به سازمان ملل، دولتی و غیر دولتی در زمینه محیط زیست فعالیت دارند که به نهادینه شدن موضوع حمایت و حفاظت از محیط زیست تدوین و توسعه مقررات زیست محیطی و مکانیزم‌های فظ محیط زیست از طریق این نهادها صورت می‌گیرد. نهادهای مرتبط به محیط زیست همانگونه که اشاره شد دارای تقسیم‌بندی‌های فراوانی هستند و از جهات مختلف می‌توان آنها را تقسیم کرد. بدیهی است ذکر همه این نهادها با این

تقسیم بندی ها از موضوع مورد بحث خارج است. مع الوصف به بعضی از مهمترین نهادها که ارتباط وثیقی با موضوع دارند اشاره می کنیم.

۲- برنامه محیط زیست ملل متحد

برنامه ی محیط زیست ملل متحد که به اختصار « یونپ » نامیده می شود به موجب قطعنامه ی ۲۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ بوجود آمد. این نهاد که مقر آن در نایروبی ، پایتخت کنیا می باشد، مرکز فعالیت های سازمان ملل در زمینه محیط زیست می باشد. تأسیس این نهاد به این خاطر بود که فعالیت های دیگر نهادهای سازمان ملل را که به نوعی با محیط زیست در ارتباط بودند هماهنگ سازد و توجه به امور زیست محیطی را نیز در سرلوحه ی فعالیت های خود قرار دهد. یونپ در عمل نقش حیاتی را در زمینه های ذیل ایفا کرد:

- رشد آگاهی سیاسی از معضلات زیست محیطی
- کمک به جمع آوری آرای علمی در زمینه ی معضلات زیست محیطی و نحوه ی مقابله با آن و برقراری نوعی اجماع بین المللی میان این آراء.
- تسهیل برگزاری مذاکرات بخصوص در زمینه ی محافظت از دریاها ی منطقه ای و لایه ازن
- افزایش توانمندی کشورها برای اداره ی بهتر محیط زیست.

۳- نهادهای دیگر

به غیر از یونپ و کمیسیون توسعه پایدار نهادهای دیگری هم درگیر مسائل محیط زیست هستند که برای نمونه می توان از «سازمان کشتیرانی بین المللی» که به سازمان بین المللی دریایی نیز مشهور است نام برد. پس از تشکیل یونپ جهت تقسیم وظایف بین آن دسته از ارکان وابسته به سازمان ملل متحد که در خصوص حفاظت از محیط دریایی فعالیت می کردند مقرر شد مسئولیت مبارزه با منابع آلوده کننده دریاها با یونپ باشد و مسئولیت مبارزه با آلودگی محیط زیست ناشی از کشتی ها با ایمو باشد. علاوه بر ایمو سازمان های دیگری نیز هستند که صلاحیت های زیست محیطی دارند مانند «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد»، « آژانس بین المللی انرژی اتمی»، « سازمان بهداشت جهانی»، « سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد» و « سازمان بین المللی کار» و ... این نهادها علاوه بر این که خود وظایف و مسئولیت هایی را در مورد محیط زیست بر عهده دارند همکاری های مشترکی هم در غالب نمایندگی مشترک دارند.

نارسایی های روش کار کمیسیون

براساس یکی از مطالعات انجام شده بر روی فهرست های کمیسیون ، نارسایی های زیر در مورد روشهای کار کمیسیون قابل ذکر می باشند :

- ۱- روند کار کمیسیون بسیار کند است.
- ۲- حجم کار کمیسیون در مقایسه با کارهایی که صورت گرفته بسیار اندک است .
- ۳- روش های کمیسیون از انعطاف پذیری کافی برخوردار نیست .
- ۴- روش های کار کمیسیون موجب هدر رفتن هزینه ها بوده و فاقد کارآیی لازم است .
- ۵- کمیسیون تمام وقت و انرژی خود را معطوف به ارائه پیش نویس برای کنوانسیون ها کرده است در حالی که چنین کاری ضرورت نداشته است .
- ۶- کمیسیون زمان بسیار زیادی را صرف بررسی جزییات طرح های پیشنهادی خود کرده است.

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه گیری باید گفت کمیسیون حقوق بین الملل در طول حیات خویش با یگانه ماموریت تدوین و توسعه حقوق بین الملل برای فائق آمدن بر چالشهای موجود تلاش هایی انجام داده است . اما به نظر می رسد که حاصل کار چندان قابل توجه نباشد چرا که اقدامات کمیسیون حقوق بین الملل نمی توانند الزام حقوقی ایجاد کنند و یا به عبارتی اعتبار حقوقی داشته باشند مگر آنکه در قالب یک کنوانسیون بین المللی تجلی یابند. لازمه انعقاد یک کنوانسیون بین المللی هم قاعدتاً برگزاری یک کنفرانس بین المللی با حضور دولت هاست . انعقاد تعداد نه چندان قابل توجه معاهدات که حتی برخی از آنها توسط معاهدات دیگر جایگزین شده اند ، برخی دیگر هم هنوز لازم الاجرا نشده اند و پاره ای از پیش نویس ها حتی به صورت کنوانسیون هم در نیامده اند ، نشان می دهد که بیان نهایی ماده ۱۳ منشور خیلی کمتر از حد انتظار بوده است . البته نباید منکر ارزش کارهای کمیسیون شد حتی اگر منجر به انعقاد سند الزام آور بین المللی نشود. معذالک این نتایج مشوق و ترغیب کننده روند تدوین و توسعه حقوق بین الملل هستند به ویژه آنکه ارکان هنوز مشغول به فعالیت می باشند و از میان نرفته اند . در واقع باید گفت کمیسیون در فرآیند تدوین و توسعه حقوق بین الملل باید به تغییرات کمی و کیفی در ساختار خود ، تلاش در انتخاب موضوعات شایسته تدوین و توسعه ، در نوردیدن مرز میان تدوین و توسعه ، عدم ورود به مسائل جزئی و اختلاف برانگیز در چارچوب بندی و در تنظیم کنوانسیون ها برای فراهم ساختن زمینه مقبولیت عمومی آن کنوانسیون و تشویق دولت ها به امضاء و تصویب کنوانسیون ها و یا الحاق به آنها و نیز استرداد رزروهای اعمال شده بپردازد. از طرفی توسعه حقوق بین الملل محیط زیست با موانع اساسی از جمله عدم تمایل دولت ها به تفویض حاکمیت یا محدود کردن آن به نفع سازمان های زیست محیطی در سطح بین المللی ، پرهزینه بودن حفاظت محیط زیست و کمبود منابع مالی ، خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که از نظر تعداد بیشترین کشورها هستند و منابع مالی کافی برای حفاظت محیط زیست را ندارند روبرو هستیم همین طور گستردگی ابعاد موضوعات محیط زیستی از جمله آب ، هوا ، خاک و هر آنچه که در کره زمین و ماورای جو وجود دارد منجر شده است تدوین مقررات برای هر یک از بخش های زیست محیطی زمان بر شود . لذا زمان آن رسیده که برای حل محدودیت ها و موانع فرا روی حقوق بین الملل محیط زیست به توسعه مفهومی و ماهوی حقوق بین الملل پرداخته و مهمتر از آن اینکه سازمانی جهانی برای حفاظت محیط زیست با اختیارات و قدرت لازم تشکیل گردد. بدیهی است مباحث مربوط به تاسیس این سازمان جهانی نیز خارج از کشمکش کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نخواهد بود.

فهرست منابع:

منابع فارسی:

- انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد. (۱۳۸۹). نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، انتشارات انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد. (۱۳۹۱). نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، چاپ اول.
- پور هاشمی، سید عباس و بهاره ارغندی. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل محیط زیست، نشر دادگستر.
- پور هاشمی، سید عباس. (۱۳۸۴). توسعه نوین در حقوق بین‌الملل محیط زیست.
- ذوالعین، پرویز. (۱۳۷۷). مبانی حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: دفتر مطالعات ساسی و بین‌المللی.
- رئیس، لیلیا. (۱۳۸۰). بررسی تحولات مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی، مجله راه وکالت.
- سند، پیتراچ [و دیگران]. (۱۳۸۴). حقوق محیط زیست. ترجمه ی محمد حسن حبیبی. جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- سند، پیتراچ. (۱۳۷۹). نقش بین‌المللی سازمان های بین‌المللی در تحول حقوق محیط زیست، ترجمه ی محمد حسن حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ضیایی‌بگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۸). حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران: ایران، گنج دانش.
- کریمی، محمود، نسربین مصفا. (۱۳۷۱). هدف های کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه و تدوین استراتژی ها و تنظیم معاهدات، مجله سیاست خارجی.
- کیس، الکساندر [و دیگران]. (۱۳۷۹). حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیس، الکساندر. (۱۳۷۹). مقدمه ای بر حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گنجی، منوچهر. (۱۳۶۳). حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات دهخدا.
- مشهدی، علی. (۱۳۸۹). ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.

منابع لاتین:

- Arevalo, Luis Barrionueno. (2005). *The work of the international law commission in the field of International Environmental Law*, un doc, note 35.
- The Future We Want, *Outcome Document of the United Nations Conference on Sustainable Development*. (2012). Rio de Janeiro. Brazil.
- Peter H. Sand. (1993). *UNCED and the Development of International Law*, Year Book of International Environmental Law, vol.3.
- Sand, p-h. (1993). *International Environmental Law after Rio*, Year Book of International Environmental Law, vol.3.
- Year Book of international law comission. (2013).

منابع اینترنتی:

www.civilica.com

www.doe.ir
www.international law comission.com
www.international law pars.com
www.irandoc.ac.ir
www.magiran.com
www.noormags.com
www.sid.ir
www.uncsd2012.org/rio20
www.un.ir
www.un.org/en/sustainablefuture

Abstract

Nature is able to answer all the human beings's need truly, if it used reasonably. When nature and its sources are used in an irregular manner, nature will be destroyed and its sources will be ended, then human face on difficulty for supplying their needs. In this regard, the principles of environment protection are based on two approaches: human-centered and environment-center. In the human-centered approach the environment will be tended due to its direct effect on survival and quality of human life, in contrary environment-center approach based on environmental goals that there is social agreement about them and they are examined separately in this research. On the other hand, international law commission as an institution which is undertaken the development of international law, is one of the institutions that think about international environment law. So that the commission provided its first report on convention on fishing and conservation of the living resources of the high seas (1958) and its last report in 2013 on atmosphere and environment protection during armed conflicts. On the other hand, other commission measures and actions such as international treaties drafting and answering some questions raised by other international institution in this topic are remarkable. Therefore in this dissertation we will investigate the resources and general concept and principles of international law, international law commission's approach as an influential institution in development of this area of international law and commission's acts procedure, also we will answer the question that dose the international environment development have a growing and effective trend or dose not?

Key words: International Environment Law, Codification, Development, International Law Commission, International Law

Subject :

The role of international law commission on the codification and development of international environmental law

By :

Khanehei Aliashraf and Rajabi Leila

Summer2016